احکام نوجوانان

مطابق با فتاوای مرجع عالیقدر شیعه

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (مدظله العالی)





قائمیه اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
السلام علیک یا صاحب الزمان
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۲۹۸ -
عنوان و نام پدیدآور : احکام نوجوانان / مطابق با فتاوی لطف‌الله صافی گلپایگانی.
مشخصات نشر : قم: راسخون، ۱۳۷۷.
مشخصات ظاهری : ۱۸۶ ص.؛ مصور ' نمودار؛ ۵/۱۰×۱۹ س‌م.
شابک : ۴۰۰۰ ریال 964-91531-4-4 : ؛ ۴۰۰۰۰ ریال (چاپ چهارم) ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ سیزدهم) ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ چهاردهم) ؛ ۱۰۰۰۰ ریال: چاپ پانزدهم964-91531-5-5 :
یادداشت : چاپ چهارم : زمستان ۱۳۸۰.
یادداشت : چاپ سیزدهم: بهار ۱۳۸۵.
یادداشت : چاپ چهاردهم: تابستان ۱۳۸۵.
یادداشت : چاپ پانزدهم : بهار ۱۳۸۶.
یادداشت : واژه‌نامه.
موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه -- ادبیات نوجوانان
موضوع : فتواهای شیعه -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹/ص۲۴الف۳ ۱۳۷۷
رده بندی دیویی : [ج]۲۹۷/۳۴۲۲
شماره کتابشناسی ملی : م۷۷-۱۱۰۹۵

سخن ناشر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

برتری عالِم بر عابد، همچون درخشندگی خیره‌کنندهٔ ماه، در شب چهاردهم، نسبت به ستارگان است.

حضرت امام صادق، علیه السّلام، با بیان تشبیه زیبای فوق، اهمّیّت عالمان دین را از منظر اسلام یادآور می‌شوند؛ آری، عالم دین، نه آنکه فقط خود نور دارد، بلکه نور را به ره‌پویان وادی حقیقت نیز ارزانی می‌بخشد.

وظیفهٔ فقیه، استخراج حکم الهی، از لابلای متون اصیل

اسلامی است و این مهم، در طول قرونِ پس از غیبت امام عصر (عج)، با تلاش و از خودگذشتگی فقهای عظیم الشان، به خوبی حاصل شده است.

امروز، حضرت آیت اللّٰه العظمی حاج شیخ لطف اللّٰه صافی، متفکر و اسلام‌شناس و افتخار تشیع، از بزرگانِ مراجعی است که سینه‌اش رازدار علوم آل محمّد، صلّی اللّٰه علیه و آله و سلّم، گردیده، و سرمایهٔ سترگ علمی او، جام تشنگان معرفت اللّٰه را لبریز می‌کند.

مرکز نشر راسخون، افتخار دارد که با نشر رسالهٔ احکام نوجوانان این فقیه فرزانه، گامی دیگر در جهت ارج نهادن به ارزشهای والای اسلامی برداشته و به باروری هر چه بیشتر فرهنگی- عقیدتی نونهالان باغ اسلام کمک می‌نماید.

در پایان، راسخون، تلاش حجت الاسلام و المسلمین فلاح‌زاده، در تدوین نوشتار اصلی کتاب را ارج می‌نهد.

مرکز نشر راسخون

نگرشی بر زندگانی حضرت آیت اللّه العظمی صافی (مد ظله العالی)

اشاره

احمد کریمی
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 18

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

حضرت آیت اللّٰه العظمی آقای حاج شیخ لطف اللّٰه صافی (مد ظله العالی)، فقیه، اسلام‌شناس و اندیشمند بزرگ معاصر، در سال 1337 ه. ق، در شهر گلپایگان، قدم به صحنهٔ هستی نهاد.

پدر او عالم عارف، مرحوم آیت اللّٰه آخوند ملا محمّد جواد صافی، (متولد 1287 ه. ق) بود که علاوه بر تخصّص، تحقیق، تألیف و تدریس در گرایش‌های مختلف علوم

اسلامی مانند فقه، اصول، کلام، اخلاق، حدیث و ...، در زمینهٔ هنرهای ارزشمندی چون شعر و خوشنویسی نیز سرآمد بود. زهد، تقوی، عشق به ولایت و فضیلتهای علمی اخلاقی آن بزرگ مرد، از یک سو و مواضع قدرتمندانهٔ او در سنگر امر به معروف و نهی از منکر و جبهه‌گیری‌های صریحش در برابر افکار انحرافی، غیر متدیّنان، ظالمان و جابران آن روزگار از سویی دیگر، هر قدر که مردم گلپایگان را شیفته و مطیع محض او می‌نمود، هیأت حاکمه، خوانین و زورگویان را در برابرش شکننده‌تر می‌کرد؛ چنان که آنها همیشه او را سدّ راه اعمال خلاف شرع و بدعت‌گذاری‌های خود دیده و تا زنده بود از غیرت دینی و خشم الهی او می‌ترسیدند. آفتاب عمر آن عالم جلیل القدر در افق عصر 25 رجب سال 1378 ه. ق، مصادف با شب شهادت حضرت امام موسی کاظم، علیه السلام، غروب کرد.
مادر او بانوی فاضله، شاعره و عاشق اهل بیت، علیهم السّلام، فاطمه خانم، دختر حضرت آیت اللّٰه آخوند ملا محمّد علی، بود.
از ویژگی‌های بزرگ معنوی، اخلاقی، که در وجود آن مرحومه، متبلور بود، می‌توان به تعبد، اخلاص، تقوی، معرفت به حضرت حق، شجاعت، صراحت لهجه، شوهرداری

کم‌نظیر و اهتمام در تربیت کودکان، راز و نیاز خاشعانه و ذکر و دعا و نماز شب اشاره کرد.

تحصیلات

آیت اللّٰه العظمی صافی، در نوجوانی قدم به وادی علم و معنویت، حوزه، نهاد و میهمان صفای حلقه‌های صمیمی درس و بحث و مَحرَم شور وصف‌ناپذیر مناجات نیمه شب پاکباختگان حوزه شد. ابتدا در گلپایگان، کتب پایهٔ ادبیات عرب را نزد عالم جلیل القدر، مرحوم آخوند ملا أبو القاسم مشهور به «قطب» آغاز کرد و ادامهٔ مباحث ادبیات، کلام، تفسیر، حدیث، فقه و اصول را تا پایان سطح در همان‌جا پی گرفت و در این مدت حجم وسیع کتب مهم رشته‌های مذکور را نزد پدر بزرگوارش، حضرت آیت اللّٰه آخوند ملا محمّد جواد صافی آموخت. در سال 1360 ه. ق، گلپایگان را با دنیایی از خاطره‌های شیرین دوران کودکی و نوجوانی و لذت حضور در کنار پدر و مادری مهربان و دلسوز، که اکنون از حسرت فراق او پریشان بودند، ترک کرد و رنج مشکلات هجرت به قم را پذیرا شد، تا با حضور در مجلس درس و بحث اساتید بزرگ حوزهٔ علمیه قم به تکمیل تحصیلات و تحقیقات خود بپردازد.

ایشان چند سال بعد به نجف اشرف مشرف شد و در آنجا

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 21

نیز از محضر مراجع عالیقدر آن حوزه، برای یک سال بهره‌مند گشت.

هوش و استعداد فوق‌العاده و تلاش و جدیّت در امر تحصیل او را مورد علاقه خاص اساتید بزرگ قم و نجف قرار داد. حضرت آیت اللّٰه العظمی صافی پس از آن مجدداً به قم بازگشتند و بیش از پانزده سال حلقه‌نشین مجلس درس و بحث و اخلاق و عرفان مرجع پرافتخار شیعه، حضرت آیت اللّٰه العظمی بروجردی و نیز یکی از مشاورین ویژه و برجسته و از اصحاب خاص استفتاء آن بزرگوار گشت و آن مرحوم، نظر به توانایی والای علمی آیت اللّٰه العظمی صافی، پاسخگویی به سؤالات مهم و حساسی از فقه و کلام شیعی و نیز نگارش کتاب ارزشمندی دربارهٔ مهدویّت را که منتخب الاثر نام گرفت، به ایشان واگذار کردند.

از اساتید مهم آن بزرگوار در قم، مراجع تقلید، آیات عظام:

سید محمّد تقی خوانساری، حجّت، صدر، بروجردی و در نجف، آیات عظام: شیخ محمّد کاظم شیرازی، سید جمال الدین گلپایگانی و شیخ محمّد علی کاظمی را می‌توان نام برد.

زهد، تقوی، اخلاص، قناعت، توکل، سعۀ صدر، صراحت لهجه و امر به معروف و نهی از منکر، از ویژگی‌های مهم
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 22
روحی- اخلاقی این فقیه وارسته است.
وجودش، دریای بی‌کرانۀ عشق به انوار مقدس ائمه معصومین، علیهم السّلام، است و هر پگاه بعد از نماز، در دعای عهد، می‌توان ترنّم تمنّای دل شیداییش را در نغمۀ «العجل العجل یا مولای یا صاحب الزمان» شنید و او را عصرهای جمعه، میان خیل عاشقان مهدی (عج)، میهمان لحظه‌های پرمعنویت مسجد جمکران، دید.
تدریس، تحقیق و تسلط در زمینۀ علوم متنوع اسلامی همچون فقه، اصول، کلام، حدیث، رجال و ...، تألیف حدود هشتاد اثر ارزشمند و محققانه به زبان‌های فارسی و عربی که بعضی از آنها به چند زبان دیگر نیز ترجمه شده، از ویژگی‌های علمی ایشان است.
برخورداری از چنین موقعیت‌های والای علمی، ایشان را در حوزۀ علمیه قم، در ردیف ممتازین قرار داد و بزرگانی چون آیات عظام: سید جمال الدین گلپایگانی، بروجردی، امام خمینی و سید محمد رضا گلپایگانی و بعضی دیگر، مقام بلند علمی- معنوی او را ارج نهادند؛ و آیت اللّٰه العظمی سید جمال الدین گلپایگانی در حدود 45 سال پیش، اجتهاد متین و اوج مقام فقهی آیت اللّٰه العظمی صافی را طی مکتوبی مهم، اعلام کرد.
ایشان، سالها از طرف مرحوم آیت اللّٰه العظمی بروجردی و پس از ارتحال آن بزرگوار، از معدود کسانی بود که مسئولیت
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 23
امتحان فضلای حوزه در سطح عالی و درس خارج را داشته و شماری از مجتهدان کنونی و مدرسین حوزه علمیه قم، نزد معظم له امتحان داده‌اند.
این فقیه گرانقدر، علاوه بر موارد مذکور، مطالعات گسترده‌ای در زمینه ادبیات و تاریخ اسلام و ایران داشته و ضمن آشنایی با قالب‌های گوناگون شعری، در سرودن شعر نیز مهارت کامل دارند.
این مرجع فرزانه، حتی اکنون نیز با تمامی مشغله‌های موجود، اخبار و مسائل دنیا و بالخصوص جهان اسلام را هر روز با دقت تمام از طریق رسانه‌های گروهی دنبال کرده و بنا به اطلاعات وسیع تاریخی- سیاسی، از قدرت تحلیل بالایی در زمینه رویدادهای منطقه‌ای، جهانی و دنیای اسلام برخوردار است و مصداق واقعی «عالِم به زمان» می‌باشد.
قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حضور در صحنه‌های مختلف مبارزه با رژیم

ستم‌شاهی باعث حساسیت ساواک، نسبت به این فقیه آگاه گشت و بالاخره به توقیف یکی از کتب ایشان که حاوی مطالبی در نقد فساد رژیم شاه بود، منجر شد. در همین حال نشر بعضی کتب مهم حضرت آیت اللّه العظمی صافی که در دفاع از تشیع نگاشته بود نیز، در بعضی از کشورهای عربی ممنوع شد و بدین صورت دولتمردان این کشورها همسو با برخی مزدوران قلم بدست استعمار،

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 24

نتوانستند خشم خود را از نوشته‌های آگاهی‌بخش و بیدارکننده‌اش، پنهان نمایند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ایشان در سال 1358 ه. ش، به عنوان عضو مجلس خبرگان اوّل، انتخاب و در سال 1359 ه. ش، از سوی حضرت امام خمینی (قدس سرّه) به عضویت شورای نگهبان منصوب شد و هشت سال به عنوان دبیر شورای نگهبان، منشأ خدمات ارزنده‌ای به نظام مقدس و مردم عزیز گشت، و در پاسداری از حریم اسلام و قرآن، لحظه‌ای تردید به خود راه نداد.

حضرت آیت اللّه العظمی صافی، که حد اقل از دو دهه قبل، با وجود داشتن تمامی شرایط مرجعیت، کریمانه از آن گذشته بود، با ارتحال حضرت آیت اللّه العظمی گلپایگانی، قدس سرّه، در آذر ماه 1372 ه ش، بنا به تقاضاهای مکرّر و اصرار پی‌درپی علما و مردم، بالاخره تصدی مرجعیت را پذیرفت و اکنون به عنوان یکی از مراجع عمده، و ارکان اصلی حوزه علمیه قم، به شمار می‌رود.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 25

[مقدمهٔ کتاب]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ این رساله احکام نوجوانان را بعضی موثقین با فتاوای حقیر تطبیق نموده‌اند.
امید است عامل به آن مأجور باشد.
دستورهای عملی اسلام، که وظیفهٔ انسانها را، نسبت به کارهایی که باید انجام دهند و یا از آن دوری جویند مشخص می‌کند، «احکام» نام دارد.
هر کاری که انسان انجام می‌دهد، در اسلام دارای حکم خاصی است، احکامی که تکلیف ما را نسبت به کارها مشخص می‌کند پنج قسم است: واجب، حرام، مستحب، مکروه و مُباح، که این احکام را، «احکام تکلیفیّه» می‌نامند.
واجب؛ کاری است که انجام آن لازم می‌باشد و ترک آن
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 26
عذاب دارد؛ مانند نماز و روزه.
حرام؛ کاری است که ترک آن لازم و انجامش عذاب دارد؛ مانند دروغ و ظلم.
مستحب؛ به کاری گویند که انجامش نیکو است و ثواب دارد ولی ترک آن عذاب ندارد؛ مانند سلام کردن و صدقه دادن.
مکروه؛ کاری است که ترک آن نیکو می‌باشد و ثواب دارد ولی انجامش عذاب ندارد؛ مانند خوابیدن در مسجد و مدح فروشنده از کالایی که می‌فروشد.
مباح؛ به کاری گویند که انجام و ترک آن مساوی است، نه عذابی دارد و نه ثوابی؛ مانند راه رفتن و نشستن.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 27

اجتهاد و تقلید

اشاره

انسان می‌تواند از روی «اجتهاد» یا «تقلید»، به احکام دین عمل کند.
«اجتهاد» سعی و تلاش فراوان است، در راه استخراج احکام دین از منابع آن، که مهمترین آنها قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام می‌باشد، پس از آموختن علومی که انسان را کمک می‌کند تا بتواند احکام را از منابع آن استخراج کند.
به کسی که دارای چنین توانایی علمی باشد، «مجتهد» می‌گویند.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 28
«تقلید»، به معنای پیروی و دنباله‌روی است و در اینجا به معنای پیروی از «مجتهد» می‌باشد؛ یعنی انسان کارهای خود را مطابق فتوای مجتهد انجام دهد.
مسألۀ 1- به مجتهدی که دیگران از او تقلید می‌کنند، «مرجع تقلید» و به کسی که از مجتهد تقلید می‌کند، «مُقلِّد» می‌گویند.
مسألۀ 2- کسی که مجتهد نیست و نمی‌تواند احکام و دستورهای الهی را از منابع آن بدست آورد و نیز نمی‌تواند عمل به احتیاط نماید، باید از مجتهد تقلید کند؛ یعنی کارهای خود را مطابق فتوای او انجام دهد.
مسألۀ 3- وظیفه اکثر مردم در احکام دین، تقلید است؛ چون افراد کمی هستند که بتوانند در احکام، اجتهاد کنند.
مسألۀ 4- مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند باید:
* عادل باشد.
* زنده باشد.
* مرد باشد.
* شیعۀ دوازده امامی باشد.
* و بنابر احتیاط واجب، اعلَم باشد.
مسألۀ 5- کسی که از مجتهدی تقلید می‌کند، اگر مرجع تقلیدش از دنیا برود، و مجتهد زنده اعلمِ از او نباشد، با
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 29
دو شرط می‌تواند بر تقلید وی باقی بماند:
1- در مقدار قابل توجهی از مسائل، به فتوای او عمل کرده باشد.
2- تصمیم داشته، تا مسائل دیگری را که برایش پیش می‌آید، نیز به فتوای او عمل کند.
و احتیاط واجب آن است که اگر مجتهد میّت، اعلم از مجتهد زنده باشد، بر تقلید وی باقی بماند.
مسألۀ 6- اعلم کسی است که در استخراج احکام، از منابع آن، از

مجتهدان دیگر، استادتر باشد.
مسألهٔ 7- مجتهد و اعلم را از سه راه می‌توان شناخت:
* خود انسان یقین کند؛ مثل آنکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.
* گواهی دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، به شرط آن که دو نفر عالم عادل دیگر با گفتهٔ آنان مخالفت نکنند.
* عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفتهٔ آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.
مسألهٔ 8- راههای بدست آوردن فتوای مجتهد:
* شنیدن از خود مجتهد.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 30
* شنیدن از دو نفر عادل.
* شنیدن از یک نفر مورد اعتماد، که از گفتهٔ او اطمینان پیدا می‌شود.
* دیدن در رسالهٔ مجتهد، که درستی آن مورد اطمینان باشد.
مسألهٔ 9- اگر فتوای مجتهد در مسأله‌ای عوض شود، مقلّد باید به فتوای جدید عمل کند و عمل کردن به فتوای گذشته، جایز نیست.
مسألهٔ 10- مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد.

فرق بین احتیاط مستحب و احتیاط واجب

مسألهٔ 11- «احتیاط مستحب» همیشه همراه با فتواست، و مقلّد می‌تواند به فتوا، یا به احتیاط، به دلخواه خود، عمل نماید. مانند این مسأله:
«ظرف نجس را که یک مرتبه در آب کر بشویند پاک می‌شود، گرچه احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند.»
«احتیاط واجب» همراه با فتوا نمی‌باشد و مقلّد باید به همان احتیاط عمل کند و به فتوای مجتهد دیگر نیز می‌توان مراجعه نمود، مانند این مسأله:
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 31
«احتیاط آن است که بر برگ درخت انگور، اگر تازه باشد سجده نکنند.»

چگونه انسان بالغ می‌شود؟

نشانه‌های بلوغ سه‌تاست:
1- بیرون آمدن مایع منی «1» از انسان.
2- روییدن موی خشن بر، عانه «2».
3- کامل شدن 15 سال قمری برای پسران و 9 سال قمری برای دختران.
برای تحقّق بلوغ، ظاهر شدن هر سه علامت ضرورت ندارد، بلکه با پدیدار شدن یکی از آنها، بلوغ حاصل می‌شود.
پس، اگر جوانی از خود منی ببیند، هر چند به سن بلوغ نرسیده باشد، بالغ است و باید به تکالیف شرعی عمل کند.

---

(1). منی: مایعی است که از غدد تناسلی به سبب آمیزش یا احتلام، از مجرای بول خارج می‌شود.
(2). بالای عورت و پایین شکم.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 32

طهارت

اشاره

طهارت و پاکی بدن و محیط زندگی، در اسلام دارای اهمّیت بسیاری است. انسان باید از خوردن و آشامیدن چیزهای نجس دوری کرده و بدن و لباسش برای «نماز»، که بهترین شیوه پرستش پروردگار عالم است، پاک باشد و بهتر است تمیزترین لباس را بپوشد. بنابراین شناختن چیزهای نجس و آموختن شیوهٔ پاک کردن آنها نیز لازم است.

مسألهٔ 12- در عالَم همه چیز پاک است، مگر یازده چیز و آنچه بر اثر بر خورد با اینها نجس شود.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 33

مسألهٔ 13- چیزهای نجس عبارت است از:

1- ادرار (بول) 2- مدفوع (غائط)

3- منی

4- مردار

5- خون

6 و 7- سگ و خوک

8- شراب

9- آبجو

10- کافر

11-/ عرق حیوان نجاستخوار

مسألهٔ 14- ادرار و مدفوع انسان و حیوانهای حرام گوشت که خون جهنده دارند نجس است.

مسألهٔ 15- ادرار و مدفوع حیوان‌های حلال گوشت، مانند گاو و گوسفند و حیوان‌هایی که خون جهنده ندارند؛ مانند مار و ماهی پاک است.

مسألهٔ 16- بول و غائط حیوان‌هایی که گوشت آنها مکروه است، پاک می‌باشد؛ مانند اسب و الاغ.

مسألهٔ 17- فضلهٔ پرندگان حرام گوشت؛ مانند کلاغ، پاک است؛ ولی بهتر است از آنها دوری کرد.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 34

احکام مردار

مسألهٔ 18- به حیوانی که به دستور اسلام کشته نشود، «مُردار» گویند. «1»

مسألهٔ 19- حیوان‌ها دو دسته‌اند: برخی خون جهنده دارند؛ یعنی اگر رگ آنها بریده شود، خون با فشار از آن بیرون می‌آید و برخی دیگر خون جهنده ندارند؛ یعنی اگر رگ آنها بریده شود، خون با فشار بیرون نمی‌آید.

مسألهٔ 20- مردار حیوانی که خون جهنده ندارد؛ مانند ماهی، پاک است؛ اگر چه در آب بمیرد.

مسألهٔ 21- مردار حیوانی که خون جهنده دارد؛ اجزای بی‌روحش مانند مو و شاخ، پاک و اجزای روح‌دار آن؛ مانند گوشت و پوست، نجس است.

مسألهٔ 22- تمام اجزای بدن سگ و خوک؛ چه مرده و چه زندهٔ آن نجس است.

مسألهٔ 23- انسان مرده هر چند تازه از دنیا رفته و بدنش سرد نشده باشد (بجز اجزای بی‌روح او؛ مانند ناخن، مو و دندان)، تمام بدنش نجس می‌باشد.

مسألهٔ 24- هرگاه میّت را غسل دهند، بدنش

---

(1). برای آشنایی بیشتر با چگونگی ذِبح حیوان، به مسألهٔ 438 مراجعه کنید.

پاک می‌شود.

مسألهٔ 25- کسی که در راه خدا و برای حفظ اسلام می‌جنگد، اگر در میدان نبرد و معرکهٔ درگیری کشته شود و همانجا از دنیا برود، بدنش پاک است و نیاز به غسل و کفن ندارد.

احکام خون

مسألهٔ 26- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد؛ مانند مرغ و گوسفند، نجس است.
مسألهٔ 27- حیوانی که خون جهنده ندارد؛ مانند ماهی و پشه، خونش پاک است.
مسألهٔ 28- بنابر احتیاط واجب، از تخم مرغی که ذرّه‌ای خون در آن است باید اجتناب کرد. ولی اگر خون در زرده باشد، تا پوست نازک روی آن پاره نشده، سفیدهٔ تخم مرغ پاک می‌باشد.
مسألهٔ 29- خونی که از لای دندان- لثه- می‌آید، اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاک است و در آن صورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد؛ اگر چه بهتر است آن را فرو نبرند.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 36

چیز پاک چگونه نجس می‌شود؟

مسألهٔ 30- اگر چیز پاکی به نجسی برخورد کند و یکی از آن دو بگونه‌ای تر باشد که رطوبتش به دیگری برسد، چیز پاک نجس می‌شود.
مسألهٔ 31- اگر انسان نداند چیز پاکی نجس شده یا نه؟
پاک است. جستجو و وارسی هم لازم نیست، هر چند بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد.
مسألهٔ 32- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 37

مطهِّرات (پاک کننده‌ها)

اشاره

مسألهٔ 33- مطهّرات، اشیاء نجس را پاک می‌کنند. عمدهٔ پاک کننده‌ها عبارتند از:

1- آب

2- زمین

3- آفتاب

4- اسلام

5- بر طرف شدن نجاست (به شرحی که خواهد آمد)

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 38

[آب]

احکام آبها

«آب» اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای بهتر یادگرفتن مسائل مربوط به آن، کمک می‌کند.

مسألۀ 34- آب یا «مضاف» است یا «مطلق».

آب مضاف: آبی است که آن را از چیزی گرفته باشند (مانند آب سیب و هندوانه) و یا با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که به آن، آب گفته نشود؛ مانند شربت.

آب مطلق: آبی است که مضاف نباشد.

مسألۀ 35- آب مضاف:

ممکن است چیز کثیفی را تمیز کند، ولی هرگز چیز نجس را پاک نمی‌کند (و از مطهّرات نمی‌باشد).

اگر با نجاست برخورد کند، نجس می‌شود؛ هر چند نجاست کم باشد و بو یا رنگ یا مزه آب عوض نشود.

وضو و غسل با آن باطل است.

اقسام آب مطلق

مسألهٔ 36- آب، یا از زمین می‌جوشد.
یا از آسمان می‌بارد.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 39
یا نه می‌جوشد و نه می‌بارد.
- آبی که از آسمان ببارد «باران» است.
- آبی که از زمین می‌جوشد، اگر جریان داشته باشد؛ مانند آب چشمه و قنات «آب جاری» است و اگر بدون جریان باشد، «آب چاه» است.
- آبی که از زمین نمی‌جوشد و از آسمان نمی‌بارد، اگر به مقداری که در مسألهٔ بعد خواهد آمد، باشد، «کُر» و اگر کمتر از این مقدار باشد، «قلیل» است.

مسألهٔ 37- مقدار آبی که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک احتیاطاً 3 /5 وجب باشد بریزند پر شود، یا وزن آن از 128 مَن تبریزی، 20 مثقال کمتر باشد، به مقدار کُر است.

آب قلیل

مسألۀ 38- آب قلیل به محض برخورد با نجاست، نجس می‌شود، مگر آن که با فشار به چیز نجس برسد که در این صورت فقط قسمتی که با نجس برخورد کرده و آن چه بعد از آن است، نجس می‌شود؛ مانند ظرف آبی که از بالا بر چیز نجس ریخته می‌شود، و آب‌های بالا و داخل ظرف پاک است.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 40
مسألۀ 39- اگر آب کر یا جاری، به آب قلیل نجس متصل شود، پاک می‌گردد. (مثلًا: اگر ظرف آب قلیلی را که نجس شده، زیر شیر آبی که به منبع کر متصل می‌باشد بگذارند و آب را بر آن باز کنند، پاک می‌شود)، ولی اگر بو یا رنگ یا مزۀ نجاست گرفته باشد، باید به قدری با آن مخلوط شود که بو یا رنگ یا مزۀ نجاست از بین برود.

مسألۀ 40- تمام اقسام آب‌های مطلق، بجز آب قلیل، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد، پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست، بو یا رنگ یا مزۀ نجاست بگیرد، نجس می‌شود. (بنابراین، آب جاری، چاه، کر و حتّی باران در این حکم مشترکند).
مسألۀ 41- آب لوله‌های ساختمانها که متصل به منبع کر می‌باشد، در حکمِ آبِ کر است.
مسألۀ 42- برخی از خصوصیات آب باران:
اگر باران بر چیز نجسی که عین نجس «1» در آن نیست، یک بار ببارد، پاک می‌شود.

(1). عین نجس؛ چیزی است که خود بخود نجس است؛ مانند بول و خون.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 41
اگر بر فرش و لباس نجس ببارد، فشار لازم ندارد و پاک می‌شود.
اگر بر زمین نجس ببارد پاک می‌شود.
هرگاه آب باران در جایی جمع شود، اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه چیز نجسی را در حالی که باران همچنان می‌بارد، در آن بشویند، تا زمانی که بو یا رنگ یا مزۀ نجاست نگرفته، پاک است.

چگونه چیزهای نجس را آب بکشیم؟

مسألۀ 43- برای پاک کردن چیزهای نجس، ابتدا باید نجاست را بر طرف کرده، سپس طوری که در مسائل آینده خواهد آمد، آن را آب کشید.
مسألۀ 44- ظرف نجس را، بعد از بر طرف کردن نجاست، اگر یک مرتبه در آب کر بشویند کافی است، ولی با آب قلیل سه مرتبه باید شست.
مسألۀ 45- ظرف نجس را می‌توان این گونه آب کشید:
با آب کر: یک بار آن را در آب برده و بیرون آورند.
با آب قلیل: آن را سه مرتبه پر از آب کرده و خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن ریخته و هر مرتبه آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس برسد و بیرون بریزند.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 42
مسألۀ 46- فرش و لباس و چیزهایی مانند آن که آب را به خود می‌گیرد و قابل فشار دادن است، چنانچه با آب قلیل تطهیر می‌کنند، باید بعد از هر بار شستن، آن را فشار دهند تا آبهای درون آن بیرون آید و یا به گونه‌ای دیگر آب آن گرفته شود، ولی در آب کر و جاری فشار دادن لازم نیست.

زمین

مسألهٔ 47- اگر کف پا یا کف کفش، هنگام راه رفتن، نجس شود، با راه رفتن یا مالیدن پا به زمین پاک می‌شود، به شرط آن که عین نجاست بر طرف شود.

و زمین باید:

* پاک باشد.
* خشک باشد.
* خاک، شن، سنگ، آجر فرش و مانند اینها باشد.

مسألهٔ 48- اگر بر اثر راه رفتن یا مالیدن پا بر زمین، نجاست ته کفش یا کف پا بر طرف شود، پاک می‌گردد، ولی بهتر است حد اقل پانزده قدم راه برود.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 43

آفتاب

مسألۀ 49- آفتاب (با شرایطی که خواهد آمد) این چیزها را پاک می‌کند:
* زمین.
* ساختمان و چیزهایی که در آن بکار رفته است، مانند در و پنجره.
* درخت و گیاه.
مسألۀ 50- آفتاب با این شرایط، پاک‌کننده است:
* چیز نجس تر باشد، به قدری که اگر چیزی به آن برسد، تر شود.
* با تابش آفتاب، چیز نجس خشک شود. اگر چیز نجس مرطوب بماند، پاک نشده است.
* چیزی؛ مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد، مگر آنکه رقیق و نازک باشد و از تابش آفتاب جلوگیری نکند.
* آفتاب، به تنهایی آن را خشک کند؛ مثلًا به کمک باد خشک نشود.
* هنگام تابش آفتاب، عین نجاست در آن نباشد، پس اگر نجاست هست، پیش از تابش آفتاب برطرف کنند.
* قسمت بیرون و درون دیوار یا زمین را یکباره خشک کند، پس اگر روی آن امروز خشک شود و درون آن فردا، تنها
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 44
روی آن پاک می‌شود.
مسأله 51- اگر زمین و مانند آن نجس باشد، ولی رطوبتی نداشته باشد، می‌توان مقداری آب، یا چیز دیگری که سبب مرطوب شدن آن شود، بر آن ریخته و سپس آفتاب بتابد و آن را پاک کند.

[اسلام]

مسألهٔ 52- غیرِ مسلمان نجس است و اگر شهادتین را بگوید، مسلمان می‌شود؛ یعنی بگوید:
«اشْهَدُ ان لا الٰهَ الّا اللّٰهُ، وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّٰهِ»
و با اسلام، تمام بدن او پاک می‌گردد.

بر طرف شدن عین نجاست

مسألهٔ 53- در دو مورد، با بر طرف شدن نجاست، چیز نجس پاک می‌شود و نیازی به آب کشیدن ندارد:

الف: بدن حیوان؛ مثلًا منقار مرغی که غذای نجس خورده است، هنگامی که نجاست از منقارش بر طرف شود پاک است.

ب: باطن بدن؛ مانند داخل دهان و بینی و گوش؛ مثلًا اگر هنگام مسواک کردن، از لثه‌ها خون بیاید، داخل دهان پاک است و آب کشیدن آن لازم نیست. ولی مسواک اگر با خون برخورد داشته باشد، به احتیاط واجب، نجس می‌شود؛ هر چند داخل دهان باشد.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 45

وضو

اشاره

نمازگزار باید قبل از انجام نماز، وضو گرفته و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند.

در برخی از موارد هم باید «غسل» کند؛ یعنی تمام بدن را با آداب مخصوص بشوید و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن عمل دیگری به نام «تیمّم» انجام دهد که در این قسمت با احکام هر یک آشنا خواهید شد.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 46

چگونه وضو بگیریم؟

مسألهٔ 54- برای انجام وضو، انسان باید ابتدا صورت، سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را بشوید، آنگاه با رطوبتی که از شستن دست بر کف آن است، سر را مسح کند؛ یعنی دست را بر آن بکشد و سپس پای راست و در آخر، پای چپ را مسح نماید.

توضیح اعمال وضو

شستن

مسألۀ 55- در وضو انسان باید ابتدا صورت را از جایی که موی سر روییده تا آخر چانه، از بالا به پایین بشوید و برای آنکه یقین کند مقدار واجب را شسته، باید کمی اطراف صورت را هم بشوید.
مسألۀ 56- بعد از شستن صورت، باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید.
مسألۀ 57- برای آنکه یقین کند آرنج را کاملًا شسته، باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.
مسألۀ 58- کسی که پیش از شستن صورت، دستهای خود
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 47
را تا مچ شسته، هنگام وضو باید تا سر انگشتان را بشوید، و اگر فقط تا مچ را بشوید، وضویش باطل است.

مسح

مسألۀ 59- جای مسح، یک قسمت از چهار قسمت سر، که بالای پیشانی است- جلوی سر- می‌باشد.

مسألۀ 60- مسح سر، باید مقداری باشد که اگر کسی ببیند، بگوید: مسح کرد.

مسألۀ 61- احتیاط مستحب آن است که سر را به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت مسح کند.

مسألۀ 62- لازم نیست مسح بر پوست سر باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، مگر موی سر به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن، به صورت بریزد، که در این صورت باید، پوست سر یا قسمت پائین- انتهای- مو را مسح کند.

مسألۀ 63- پس از مسح سر، باید با رطوبتی که از وضو بر کف دست باقیمانده، روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند، و احتیاط واجب آن است که تا مفصل- جایی که پا خم می‌شود- را نیز مسح کند.

مسألۀ 64- در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد، و اگر دست را نگهدارد، و سر یا پا را به آن بکشد، وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد سر یا پا مختصری حرکت

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 48

کند، اشکال ندارد.

مسألۀ 65- اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب خارج، تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو؛ مثلًا صورت، رطوبت بگیرد و با آن مسح کند.

مسألۀ 66- رطوبت دست باید بقدری باشد که بر سر و پا اثر بگذارد.

مسألۀ 67- محل مسح- سر و روی پاها- باید خشک باشد، بنابراین اگر جای مسح تر باشد، باید آن را خشک کرد.

ولی اگر رطوبت آن بقدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست بر آن نباشد، اشکالی ندارد.

مسألۀ 68- بین دست و سر یا پاها باید چیزی مانند چادر و کلاه، یا جوراب و کفش فاصله نشود، هر چند بسیار رقیق و نازک باشد و رطوبت به پوست برسد (مگر در حال ناچاری).

مسألۀ 69- محل مسح باید پاک باشد، پس اگر نجس است و نمی‌تواند آن را آب بکشد، باید تیمم کند.

شرایط وضو

مسألهٔ 70- با بودن شرایط زیر، وضو صحیح و با نبودن حتّی یکی از آنها وضو باطل است:
1- آب وضو پاک باشد (نجس نباشد).
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 49
2- آب وضو و مکانی که در آن وضو می‌گیرد، مباح باشد (غصبی نباشد).
3-/ آب وضو مطلق باشد (مضاف نباشد).
4-/ ظرف آب وضو مباح باشد (به شرحی که خواهد آمد).
5- ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد (به شرحی که خواهد آمد).
6- اعضای وضو پاک باشد.
7- مانعی از رسیدن آب بر اعضای وضو نباشد.
8- با قصد قربت و بدون ریا وضو بگیرد.
9- رعایت ترتیب (به همان صورت که در اعمال وضو گذشت).
10- رعایت موالات؛ بین اعمال وضو فاصله نیافتد.
11- در کارهای وضو از دیگری کمک نگیرد.
12- استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.
13- برای وضو گرفتن وقت باشد.

مسألهٔ 71- وضو با آب نجس و مضاف باطل است، خواه بداند آن آب نجس یا مضاف است یا نداند، یا فراموش کرده باشد.
مسألهٔ 72- آب وضو باید مباح باشد، بنابراین در موارد زیر وضو باطل است:

* وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست (راضی نبودن او معلوم باشد).
* آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه.
* آبی که وقف افراد خاصی است، برای غیر آن افراد؛ مانند: حوض برخی از مدارس که وقف محصلین همان مدرسه است و وضوخانهٔ بعضی از مساجد، که وقف کسانی است که در آنجا نماز می‌خوانند.
مسألهٔ 73- وضو گرفتن از نهرهای بزرگ، گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه، اشکال ندارد، امّا اگر صاحبان آن از وضو گرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که با آن آب، وضو نگیرد.
مسألهٔ 74- اگر آب در ظرف غصبی باشد و آب دیگری در دسترس نباشد، باید تیمم کرد و اگر کسی با آن آب وضو بگیرد، وضویش باطل است.
مسألهٔ 75- اعضای وضو؛ یعنی صورت، دستها و پاها در موقع شستن و مسح باید پاک باشد.
مسألهٔ 76- اگر چیزی بر صورت یا دستها باشد که از رسیدن آب به آن جلوگیری کند، برای وضو باید برطرف شود.
مسألهٔ 77- اگر چیزی بر اعضای مسح (جلوی سر و روی پاها) باشد، هر چند از رسیدن آب جلوگیری نکند، باید

برطرف شود؛ چون بین دست و محل مسح، نباید چیزی فاصله شود.
مسألهٔ 78- خط قلم خودکار و لکه‌های رنگ و چربی و کِرِم، در صورتی که رنگ بدون جِرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر جِرم دارد و روی پوست را گرفته باشد، باید بر طرف شود.
مسألهٔ 79- اگر می‌داند چیزی بر اعضای وضو چسبیده، ولی نمی‌داند که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند، یا آب را به زیر آن برساند.
مسألهٔ 80- کارهای وضو باید بدین ترتیب انجام شود:
ابتدا صورت، بعد دست راست و سپس دست چپ را بشوید و بعد از آن سر، و بعد پاها را مسح کند، و احتیاط اینست که پای راست را پیش از پای

چپ مسح کند، و اگر به این ترتیب وضو نگیرد، وضوی او باطل است.
مسألۀ 81- موالات یعنی؛ پشت سر هم انجام دادن و فاصله نیانداختن بین اعمال وضو.
مسألۀ 82- اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می‌خواهد جایی را بشوید یا مسح کند، رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد، وضو باطل است.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 52
مسألۀ 83- کسی که می‌تواند اعمال وضو را انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد، پس اگر شخص دیگری صورت و دست او را بشوید و یا مسح او را انجام دهد، وضو باطل است.
مسألۀ 84- کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد، باید به کمک شخص دیگر وضو بگیرد، ولی خود او باید نیّت وضو کند.
مسألۀ 85- کسی که می‌داند اگر وضو بگیرد، مریض می‌شود و یا می‌ترسد که مریض شود، باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد، باطل است. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، وضویش صحیح است.
مسألۀ 86- وضو، باید به قصد قربت انجام شود، یعنی؛ برای انجام فرمان خداوند عالَم وضو بگیرد و لازم نیست نیّت را به زبان آورد، یا از قلب خود بگذراند، بلکه همین مقدار که می‌داند وضو می‌گیرد کافی است، بطوری که اگر از او بپرسند، چه می‌کنی؟ بگوید: وضو می‌گیرم.
مسألۀ 87- اگر وقت نماز به قدری تنگ است که اگر انسان بخواهد وضو بگیرد، تمام نماز یا قسمتی از آن، بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند. ولی اگر برای انجام وضو و تیمم به یک اندازه وقت لازم است، باید وضو بگیرد.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 53

دوایی که بر زخم و مانند آن می‌گذارند یا چیزی که با آن زخم و شکستگی را می‌بندند، «جَبیره» نام دارد.
مسألهٔ 88- شخصی که بر اعضای وضویش، زخم یا شکستگی است، اگر بتواند بطور معمول وضو بگیرد، باید چنین کند؛ مثلًا روی زخم باز است و آب برایش ضرر ندارد و یا روی زخم بسته است، ولی باز کردن آن امکان دارد و آب برای آن ضرر ندارد.
مسألهٔ 89- چنانچه زخم بر صورت یا دستهاست و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، باید اطراف آن را بشوید و چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، بنا بر احتیاط باید دست تر بر آن بکشد.
مسألهٔ 90- در وضوی جبیره‌ای، باید جاهایی را که شستن یا مسح آن امکان دارد، بطور معمول بشوید یا مسح کند و جاهایی که امکان ندارد، دست تر بر جبیره بکشد.
مسألهٔ 91- اگر زخم یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها (محل مسح) است و روی آن باز می‌باشد، چنانچه نتواند آن را مسح کند، احوط آنست که پارچهٔ پاکی رویش بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو، که در دست مانده، مسح کند و اگر گذاشتن پارچه ممکن نیست، مسح لازم نیست ولی در هر دو صورت باید بعد از وضو، تیمم نماید.
مسألهٔ 92- اگر در صورت و دستها چند جبیره باشد، باید

بین آنها را بشوید و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد، باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جبیره هست باید به شیوه‌ای که در جبیره بیان شد، عمل کند.
مسألهٔ 93- کسی که در کف دست و انگشتها جبیره دارد و در موقع وضو، دست تر روی آن کشیده است، باید سر و پا را با همان رطوبت مسح کند.
مسألهٔ 94- اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها یا تمام هر دو دست را فرا گرفته باشد، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد، و بنابر احتیاط واجب، اگر تمام یا قسمتی از مواضع تیمّم پوشیده نیست، تیمّم هم بنماید.
مسألهٔ 95- اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته، ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است، باید جاهایی که باز است روی پا را، و جایی که جبیره است، روی جبیره را مسح کند.
مسألهٔ 96- اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست، باید به دستور جبیره عمل کند و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بنماید و اگر برداشتن جبیره ممکن است، باید بردارد.

مسألهٔ 97- اگر در جای وضو یا غسل، چیزی چسبیده باشد که برداشتن آن ممکن نیست، یا به قدری مشقّت دارد که

نمی‌توان تحمّل کرد، باید به دستور جبیره عمل کند، و بنابر احتیاط واجب، اگر تمام یا بعضی از مواضع تیمّم پوشیده نیست، تیمم هم بنماید.
مسألهٔ 98- اگر جبیره نجس است یا نمی‌شود روی آن دست تر کشید؛ مثلًا دوایی است که به دست می‌چسبد، پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد.
مسألهٔ 99- غسل جبیره‌ای مانند وضوی جبیره‌ای است، ولی احوط آن است که ترتیبی بجا آورده شود، نه ارتماسی.

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

مسألهٔ 100- انسان باید برای نماز، بجز نماز میت، و برای طواف کعبه و برای رساندن جایی از بدن به نوشتهٔ قرآن و اسم خداوند وضو بگیرد.
مسألهٔ 101- اگر نماز یا طواف بدون وضو انجام شود، باطل است.
مسألهٔ 102- کسی که وضو ندارد نباید جایی از بدن خود را به این نوشته‌ها برساند:
* خط قرآن، ولی ترجمهٔ آن اشکال ندارد.
* اسم خداوند به هر زبانی نوشته شده باشد، مانند:
«اللّٰه»، «خدا»، God.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 56
* نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اسامی امامان و نام حضرت زهرا علیهم السلام اگر بی‌احترامی به آنان باشد. (بنا بر احتیاط واجب)
مسألهٔ 103- برای این کارها وضو گرفتن مستحب است:
* رفتن به مسجد و حرم امامان.
* خواندن قرآن.
* همراه داشتن قرآن.
* رساندن جایی از بدن به جلد یا حاشیهٔ قرآن.
* زیارت اهل قبور.

چگونه وضو باطل می‌شود؟

مسألهٔ 104- اگر یکی از امور زیر از انسان سر بزند، وضو باطل می‌شود:
* خارج شدن ادرار یا مدفوع یا باد معده و روده از انسان.
* خواب؛ چنانچه گوش نشنود و چشم نبیند.
* چیزهایی که عقل را از بین می‌برد؛ مانند دیوانگی، مستی، بیهوشی.
* استحاضهٔ زنان. «1»
* آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت و مَسّ میت.

---

(1). این مسأله مربوط به بانوان است، برای توضیح بیشتر به مسأله 137 مراجعه کنند.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 57

غسل

اشاره

گاهی برای نماز و سایر کارهایی که باید با وضو انجام داد، غسل واجب می‌شود.

شیوهٔ غسل کردن

مسألهٔ 105- در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد؛ مانند جنابت، و یا مستحب؛ مانند غسل جمعه.
به عبارت دیگر: تمام غسلها در انجام فرقی ندارند مگر
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 58
در نیت.
مسألهٔ 106- غسل را به دو صورت می‌توان انجام داد:
«ترتیبی» و «ارتماسی». در ترتیبی، ابتدا سرو گردن شسته می‌شود، سپس نیمهٔ راست بدن و بعد از آن نیمهٔ چپ.
در غسل ارتماسی، تمام بدن یکباره در آب قرار می‌گیرد.
پس برای انجام غسل ارتماسی باید آب بقدری باشد که انسان بتواند تمام بدن را زیر آب ببرد.

شرایط صحیح بودن غسل

مسألۀ 107- تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، «1» در صحیح بودن غسل هم شرط است، بجز موالات. همچنین لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید.
مسألۀ 108- کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیّت همۀ آنها یک غسل بجا آورد.
مسألۀ 109- کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی با غسل‌های دیگر نمی‌شود نماز خواند، پس باید وضو هم بگیرد.
مسألۀ 110- در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد،

---

(1). شرایط وضو در مسأله 70 گذشت.

ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، بنابراین اگر هر قسمتی را پیش از غسل دادنِ همان قسمت، آب بکشد کافی است.
مسألۀ 111- غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است. «1»
مسألۀ 112- کسی که روزه واجب گرفته، نمی‌تواند در حال روزه غسل ارتماسی انجام دهد، چون روزه‌دار نباید تمام سر را در آب فرو برد. ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، غسل او صحیح است.
مسألۀ 113- در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود، و چنانچه با نیت غسل، آب را به تمام بدن برساند، کافی است.

غسلهای واجب

اشاره

مسألهٔ 114- غسلهای واجب هفت تاست:
جنابت، میّت، مَسِّ میت، حیض، استحاضه، نفاس و غسلی که به سبب نذر واجب می‌شود.

---

(1). احکام وضوی جبیره‌ای در ص 50 گذشت.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 60

غسل جنابت

اشاره

مسألهٔ 115- اگر از انسان منی بیرون آید، هر چند در خواب باشد، یا آمیزش کند، جُنُب می‌شود و باید برای نماز و کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل جنابت انجام دهد.

مسألهٔ 116- اگر منی از جای خود حرکت کند، ولی بیرون نیاید، سبب جنابت نمی‌شود.

مسألهٔ 117- کسی که می‌داند منی از او خارج شده است و یا می‌داند آنچه بیرون آمده منی می‌باشد، جنب است و باید غسل کند.

مسألهٔ 118- اگر از انسان رطوبتی خارج شود که نداند بول است یا منی یا ...، چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن بدن سست شده، آن رطوبت منی است، ولی اگر تمام این نشانه‌ها یا برخی از آن‌ها وجود نداشته باشد، آن رطوبت منی نمی‌باشد، ولی نسبت به زن و مریض، وجود یک نشانه؛ یعنی بیرون آمدن از روی شهوت، کافی است.

مسألهٔ 119- مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی، بول کند و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او خارج شود که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی دارد.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 61

کارهایی که بر جنب حرام است

مسألهٔ 120- از زمانی که انسان جنب می‌شود، تا وقتی که غسل می‌کند و یا اگر نمی‌تواند غسل کند، تیمم می‌کند، این کارها بر او حرام است:
* رساندن جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنابر احتیاط واجب، اسامی پیامبران و امامان علیهم السلام.
* رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم، هر چند از یک در وارد شود و از درِ دیگر بیرون رود.
* توقف در مساجد، حرم امامان علیهم السلام، ولی اگر از یک در برود و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی برود، مانعی ندارد.
* خواندن سوره‌هایی از قرآن که سجده واجب دارد؛ حتی یک حرف از آن، یعنی سوره‌های: سجده، فصِّلت، نجم، علق.
مسألهٔ 121- اگر شخصی در خانه‌اش مکانی را برای نماز قرار دهد و همچنین در مؤسسه یا اداره‌ای، حکم مسجد را ندارد.
مسألهٔ 122- توقف در حرم امامزاده‌ها در حال جنابت، اشکال ندارد، ولی توقف در مساجدی که معمولاً کنار حرم‌ها ساخته‌اند، حرام است.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 62

غسل میت

مسألهٔ 123- هرگاه مسلمانی از دنیا برود، باید او را غسل داده و کفن کنند و بر او نماز بخوانند، سپس دفن کنند. «1»

غسل مَسّ میت

مسألهٔ 124- اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند، باید غسل مَسّ میت کند.

غسلهای اختصاصی دخترها و بانوان

اشاره

مسألهٔ 125- سه غسل از غسلهای واجب؛ یعنی غسل حیض، استحاضه و نفاس؛ تنها بر دخترها و بانوان واجب می‌شود و سبب این غسل‌ها، خونی است که از رحم بیرون می‌آید و هر یک احکام خاصی دارد.

---

(1). برای آشنایی با احکام اموات، می‌توانید به رسالهٔ توضیح المسائل، مسألهٔ شمارهٔ 527 مراجعه کنید.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 63

مسألهٔ 126- زمانی که خونریزی قاعدگی (رگل) قطع شود، زن باید برای نماز و سایر کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل کند.
مسألهٔ 127- خونریزی قاعدگی قبل از بلوغ اتفاق نمی‌افتد و اگر دختری قبل از بالغ شدن خونی ببیند، حکم حیض را ندارد.
مسألهٔ 128- دورهٔ قاعدگی کمتر از سه روز نیست، پس اگر جریان خون قبل از سه روز قطع شود حکم حیض را ندارد.
مسألهٔ 129- دورهٔ قاعدگی بیش از ده روز طول نمی‌کشد و چنانچه خونریزی بیش از ده روز طول بکشد، پس از ده روز حکم حیض را ندارد.
مسألهٔ 130- خون حیض معمولاً غلیظ، گرم و پررنگ است و با فشار و کمی سوزش می‌آید.
مسألهٔ 131- در مدت قاعدگی این کارها بر زن حرام است:
* نماز و طواف کعبه.
* کارهایی که بر جنب حرام است؛ مانند توقف در

مسجد. «1»
مسألهٔ 132- در ایام قاعدگی نماز و روزه واجب نیست و نمازها قضا ندارد ولی قضای روزه‌ها را باید بجا آورد.
مسألهٔ 133- غسل حیض با غسل جنابت تفاوتی ندارد، مگر در نیّت.
مسألهٔ 134- با غسل حیض به تنهایی نمی‌توان نماز خواند، بلکه باید علاوه بر غسل، وضو هم بگیرد.

مسألهٔ 135- یکی دیگر از خونهایی که گاهی اوقات از رحم دختر یا زن بیرون می‌آید، «استحاضه» است.
مسألهٔ 136- خون استحاضه معمولًا زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید و غلیظ نیست، ولی ممکن است گاهی اوقات پررنگ و گرم و غلیظ باشد و با فشار بیرون آید.
مسألهٔ 137- خون استحاضه بر اساس کمی و زیادی آن،

---

(1). برخی از کارهای دیگر نیز حرام است که برای آشنایی با آنها می‌توانید به رسالهٔ توضیح المسائل، مسألهٔ 456 مراجعه کنید، همچنین کارهایی که بر جنب حرام است، در مسألهٔ 120 گذشت.

به سه دسته تقسیم می‌شود، که اگر بسیار کم باشد غسل ندارد، ولی وضو را باطل می‌کند و اگر کم نباشد، غسل واجب می‌شود که جهت آشنایی با موارد آن و احکام هر یک، بانوان به رسالهٔ توضیح المسائل، مراجعه کنند.

غسل نفاس

مسألهٔ 138- غسل نفاس مربوط به ولادت فرزند است و در زمان دیگری دیده نمی‌شود که زن پس از خون‌ریزی زایمان باید آن را انجام دهد (به شرحی که در رسالهٔ توضیح المسائل، مسألهٔ 514 آمده است).
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 66

تیمُّم

اشاره

مسألهٔ 139- در این موارد باید بجای وضو و غسل، تیمم کرد:
* آب نباشد و یا دسترسی به آن نداشته باشد.
* آب برای انسان ضرر داشته باشد؛ مثلًا به سبب استعمال آب مرضی در او پیدا می‌شود یا بیماریش شدّت می‌یابد و یا دیر، بهبودی می‌یابد.
* اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خودش یا همسر او یا فرزندانش یا رفیق وی و یا کسانی که به او
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 67
مربوطند، یا کسی که حفظ جان او واجب است، از تشنگی بمیرند یا مریض شوند، یا به قدری تشنه شوند که تحمّل آن سخت است- حتی حیوانی که در اختیار اوست-.* بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیر و آب کشیدن آن ندارد، و لباس دیگری هم ندارد.
* وقت به قدری تنگ باشد که اگر بخواهد وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن، بعد از وقت خوانده می‌شود.

مسألۀ 140- در تیمم پنج چیز واجب است:
1- نیّت.
2- زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.
3- کشیدن هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا روی ابروها و بالای بینی.
4- کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست.
5- کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ- انگشتان هم جزو کف دست می‌باشند-.
مسألۀ 141- برای آن که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتر از مچ را هم مسح کند، ولی

مسح بین انگشتان لازم نیست.
مسألۀ 142- انسان باید برای تیمم، انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر مانع دیگری نیز در پیشانی یا دستها وجود دارد، برطرف کند.
مسألۀ 143- تمام کارهای تیمم، باید با قصد تیمم و برای اطاعت دستور خداوند انجام شود، و همچنین باید معلوم کند که تیمم بجای وضو است یا غسل، و این همان نیّت تیمّم است.

چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است

مسألۀ 144- تیمم بر خاک، ریگ، کلوخ و سنگ، اگر پاک باشند صحیح است.

احکام تیمّم

مسألۀ 145- تیمّمی که بجای وضو است، با تیممی که به جای غسل است، فرقی ندارد.

مسألۀ 146- کسی که بجای وضو تیمم کرده است، اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می‌کند از او سر بزند، تیممش باطل می‌شود.

مسألۀ 147- کسی که به جای غسل، تیمم کرده، هرگاه یکی از چیزهایی که غسل را باطل می‌کند، پیش آید، تیممش

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 69

باطل می‌شود، مثلًا اگر به جای غسل جنابت تیمم کرده، اگر دوباره جنب شود، تیممش باطل می‌شود.

مسألۀ 148- تیمم در صورتی صحیح است که انسان نتواند وضو بگیرد، یا غسل کند، بنابراین اگر بدون عذر تیمم کند، صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و بر طرف شود؛ مثلًا آب نداشته، و آب پیدا کند، تیمم او باطل می‌شود.

مسألۀ 149- اگر به جای غسل جنابت تیمم کند، نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر به جای غسل‌های دیگر تیمم کند، با آن تیمم نمی‌تواند نماز بخواند و باید برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری به جای وضو انجام دهد.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 70

نماز

اشاره

نماز مهمترینِ اعمال دینی است، که اگر مقبول درگاه خداوند عالم بشود، عبادت‌های دیگر نیز قبول می‌گردد و اگر نماز پذیرفته نشود، اعمال دیگر نیز قبول نخواهد شد.
همان طور که اگر انسان، در شبانه روز پنج نوبت خود را در نهر آبی شستشو کند، چرک در بدنش نمی‌ماند، نمازهای پنج‌گانه هم انسان را از گناهان پاک می‌کند.
سزاوار است انسان نماز را در اوّل وقت بخواند و کسی که نماز را سبک بشمارد، مانند کسی است که نماز نمی‌خواند.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 71
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «کسی که به نماز اهمیّت ندهد و آن را سبک شمارد، سزاوار عذاب آخرت است». شایسته است نمازگزار کارهایی که ثواب نماز را کم می‌کند، بجا نیاورد؛ مثلًا با حالت خواب آلودگی نماز نخواند و در نماز به آسمان نگاه نکند. بلکه کارهایی که ثواب نماز را زیاد می‌کند بجا آورد؛ مثلًا لباس پاکیزه بپوشد، خود را خوشبو کند، دندان‌هایش را مسواک بزند و موهایش را شانه کند.

اقسام نماز

برای آشنایی با مسائل و احکام نماز، ابتدا یادآور می‌شویم که نماز یا واجب است و یا مستحب.
نمازهای واجب هم دو دسته‌اند؛ برخی از آنها تکلیف هر روزه می‌باشند که باید در هر شبانه‌روز و در زمان‌های خاصی بجا آورده شود و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی اوقات به سببی خاص واجب می‌شوند و برنامۀ همیشگی و هر روزه نمی‌باشند.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 72

وقت نمازهای روزانه

اشاره

مسألۀ 150- نمازهای هر روزه، پنج نماز، و مجموع آنها، هفده رکعت است.

نماز صبح: دو رکعت

نماز ظهر: چهار رکعت

نماز عصر: چهار رکعت

نماز مغرب: سه رکعت

نماز عشاء: چهار رکعت

مسألۀ 151- وقت نماز صبح از اذان صبح تا طلوع آفتاب است، که در این مدت باید خوانده شود و هر چه به اذان صبح نزدیکتر باشد، بهتر است.

وقت نماز ظهر و عصر از ظهر شرعی تا مغرب است که به اندازۀ خواندن یک نماز چهار رکعتی در اوّل وقت مخصوص نماز ظهر و به همین مقدار که به مغرب مانده باشد، مخصوص نماز عصر است.

وقت نماز مغرب و عشا، از مغرب تا نصف شب است که به اندازۀ خواندن یک نماز سه رکعتی که از مغرب بگذرد، مخصوص نماز مغرب، و به اندازۀ یک نماز چهار رکعتی که به نصف شب مانده است، مخصوص نماز عشا می‌باشد.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 73

وقت نماز صبح

مسألهٔ 152- نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را «فجر اوّل» گویند، هنگامی که آن سفیده پهن شد، «فجر دوّم» و ابتدای وقت نماز صبح است.

ظهر شرعی و وقت نماز ظهر

مسألۀ 153- اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم، صبح که خورشید طلوع می‌کند سایۀ آن به طرف مغرب می‌افتد و هرچه آفتاب بالا می‌آید سایه کم می‌شود، وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاشت، «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر است. «1»

مغرب چه هنگامی است؟

مسألهٔ 154- «مغرب» موقعی است که سرخی طرف مشرق، که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود از بالای سر بگذرد.

---

(1). در برخی از شهرها، از جمله مکه، گاهی اوقات موقع ظهر سایه از بین می‌رود، بعد از آنکه سایه دوباره پیدا شد، معلوم می‌شود ظهر شده است.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 74

محاسبهٔ نیمه شب

مسألهٔ 155- برای محاسبهٔ نیمه شب، که پایان وقت نماز عشا به دست می‌آید، احتیاط واجب آن است که فاصلهٔ بین غروب تا اذان صبح را دونیم کنیم. «1»

مسألۀ 156- نمازهای غیر روزانه دارای وقت مشخصی نمی‌باشد، و بستگی به زمانی دارد که به علّتی آن نماز واجب شود؛ مثلًا نماز آیات بستگی به زلزله یا کسوف یا خسوف و یا حادثه‌ای دارد که پیش آمده است و نماز میّت، زمانی واجب می‌شود که مسلمانی از دنیا برود.
مسألۀ 157- اگر تمام نماز قبل از وقت خوانده شود- عمداً باشد یا سهواً- نماز باطل است.
اگر نماز در وقت خودش خوانده می‌شود، در اصطلاح احکام گویند: نماز «اداء» است و اگر نماز بعد از گذشتن وقت خوانده شود، در اصطلاح احکام گویند: نماز «قضا» شده است.
مسألۀ 158- انسان باید نماز را در وقت معین آن بخواند و

---

(1). تقریباً یازده ساعت و ربع که از ظهر شرعی بگذرد آخر وقت نماز مغرب و عشا است؛ مثلًا اگر ظهر شرعی ساعت 15: 12 باشد، نیمه شب ساعت 30: 11 می‌باشد.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 75

اگر عمداً در آن وقت نخواند، گناهکار است.
مسألۀ 159- مستحب است انسان نماز را در اول وقت بخواند، و هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلًا صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.
مسألۀ 160- اگر وقت نماز تنگ باشد، که اگر بخواهد مستحبّات نماز را بجا آورد، بخشی از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود، باید مستحبّات را بجا نیاورد، مثلًا اگر بخواهد قنوت بخواند، وقت می‌گذرد، باید قنوت را نخواند.
مسألۀ 161- انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند، نماز او باطل است.

قبله

مسألهٔ 162- خانه کعبه، که در شهر مکّه و در مسجد الحرام قرار دارد، «قبله» است و نمازگزار باید رو به آن نماز بخواند.
مسألهٔ 163- کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن است، اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند، کافی است.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 76

مسألۀ 164- پسرها و مردان در نماز، باید عورت را بپوشانند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشانند.
مسألۀ 165- دخترها و زنان؛ باید تمام بدن را بپوشانند، ولی پوشانیدن دست‌ها و پاها تا مچ و صورت، به مقداری که در وضو باید شسته شود، لازم نیست، امّا برای آنکه یقین کند که مقدار واجب را پوشانده، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین‌تر از مچ را هم بپوشاند.
مسألۀ 166- لباس نمازگزار باید این شرایط را داشته باشد:
* پاک باشد (نجس نباشد).
* مباح باشد (غصبی نباشد).
* از اجزاء مردار نباشد؛ مثلًا از پوست حیوانی که مطابق دستور اسلام کشته نشده است تهیه نشده باشد، حتی کمربند و کلاه.
* از حیوان حرام گوشت نباشد، مثلًا از پوست پلنگ یا روباه تهیه نشده باشد.
* اگر نمازگزار مرد است، لباس او طلاباف یا ابریشم خالص نباشد.
مسألۀ 167- علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.
مسألۀ 168- اگر انسان بداند بدن یا لباسش نجس است،
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 77
ولی هنگام نماز فراموش کند و با آن نماز بخواند، نمازش باطل است.
مسألۀ 169- در این موارد، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند صحیح است:
* نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز متوجه شود.
* به واسطه زخمی که در بدن اوست، بدن یا لباسش نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن هم دشوار است.
* لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده است ولی مقدار آلودگی کمتر از دِرهَم (تقریباً به اندازۀ یک سکۀ دوریالی) است. «1»
* ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، مثلًا آب برای آب کشیدن آن ندارد (به شرحی که در رسالۀ توضیح المسائل، مسألۀ 812 آمده است).
مسألۀ 170- اگر لباسهای کوچک نمازگزار؛ مثل دستکش و جوراب، نجس باشد، و یا دستمال کوچک نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزاء مردار یا حرام گوشت نباشد اشکال ندارد.

---

(1). این مسأله چند مورد استثناء دارد که برای آشنایی می‌توانید به رسالۀ

توضیح المسائل، مسأله 856 مراجعه فرمایید.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 78

مسألهٔ 171- پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباسها و خوشبو کردن خود و به دست کردن انگشتری عقیق در نماز، مستحب است.

مسألهٔ 172- پوشیدن لباس سیاه، چرک، تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن دکمه‌های لباس در نماز، مکروه است.

مکان نمازگزار

اشاره

مسألۀ 173- مکانی که انسان بر آن نماز می‌خواند باید دارای شرایط زیر باشد:
* مباح باشد (غصبی نباشد).
* بی‌حرکت باشد- مانند اتومبیل در حال حرکت نباشد-.
* جای آن تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را بطور صحیح انجام دهد.
* جایی که پیشانی را در حال سجده می‌گذارد، پاک باشد.
* مکان نمازگزار، اگر نجس است طوری تر نباشد که به بدن یا لباس وی سرایت کند.
* جایی که پیشانی را، در حال سجده می‌گذارد، از جای قدمهای او، بیش از چهار انگشت بسته، پست‌تر یا بلندتر
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 79
نباشد. ولی اگر شیب زمین کم باشد، اشکال ندارد. «1»

احکام مکان نمازگزار

مسألهٔ 174- در حال ناچاری، نماز خواندن بر چیزی که حرکت می‌کند، مانند قطار و هواپیما و در جایی که سقف آن کوتاه است و یا جایش تنگ است، مانند سنگر و بر مکان ناهموار، اشکال ندارد.

مسألهٔ 175- انسان، بنا بر احتیاط واجب، باید رعایت ادب را بنماید و جلوتر یا مساوی با قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علیه السلام نماز نخواند.

مسألهٔ 176- مستحب است، انسان نمازهای واجب را در مسجد بخواند، و در اسلام بر این مسأله سفارش بسیار شده است.

مسألهٔ 177- از مسائلی که خواهد آمد، به اهمّیّت حضور در مسجد و نماز خواندن در آن پی می‌بریم:
* زیاد رفتن به مسجد مستحب است.
* رفتن به مسجدی که نمازگزار ندارد، مستحب است.

---

(1). در رسالهٔ توضیح المسائل، شرایط دیگری نیز آمده است که برای آشنایی بیشتر می‌توانید به مسائل 901- 875 مراجعه کنید.

* همسایهٔ مسجد اگر عذری نداشته باشد، در صورتی که در غیر از مسجد نماز بخواند، مکروه است.
* مستحب است، انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی‌شود، غذا نخورد، در کارها با او مشورت نکند، همسایه او نشود، از او زن نگیرد و به او زن ندهد.

مسألهٔ 178- این کارها در رابطه با مسجد، حرام است:
* زینت کردن مسجد با طلا.
* فروش مسجد، هر چند خراب شده باشد.
* نجس کردن مسجد، و چنانچه نجس شود، باید فوراً تطهیر کند.
* بردن خاک و ریگ از مسجد، مگر خاکهای زیادی، مانند خاکروبه.

مسألهٔ 179- این کارها در رابطه با مسجد، مستحب است:
* زودتر از همه به مسجد رفتن و دیرتر از همه از مسجد بیرون آمدن.
* چراغ مسجد را روشن کردن.
* تمیز کردن مسجد.
* هنگام وارد شدن، ابتدا پای راست را داخل مسجد گذاشتن.
* هنگام بیرون آمدن از مسجد، اوّل پای چپ را بیرون گذاشتن.

* خواندن دو رکعت نماز مستحبی تَحیّت مسجد.
* خوشبو کردن خود، و پوشیدن بهترین لباسها برای رفتن به مسجد.

مسألهٔ 180- این کارها در رابطه با مسجد، مکروه است:
* عبور از مسجد، به عنوان محل عبور؛ بدون آنکه در آنجا نماز بخواند.
* انداختن آب دهان و بینی در مسجد.
* خوابیدن در مسجد، مگر در حال ناچاری.
* فریاد زدن در مسجد و صدا را بلند کردن مگر برای اذان.
* خریدوفروش، در مسجد.

* سخن گفتن از امور دنیا.
* رفتن به مسجد، برای کسی که بوی دهانش مردم را آزار می‌دهد.

آمادگی برای نماز

اشاره

اکنون، پس از فرا گرفتن مسائل وضو، غسل، تیمم، وقت نماز، پوشش و مکان نمازگزار، آماده شروع نماز می‌شویم:
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 82

اذان و اقامه

اشاره

مسألهٔ 181- بر نمازگزار مستحب است، قبل از نمازهای یومیه، ابتدا اذان بگوید و بعد از آن اقامه، و سپس نماز را شروع کند.

اذان

اللّٰهُ اكْبَر 4 مرتبه
اشْهَدُ ان لّا الٰهَ اِلَّا اللّٰه 2 مرتبه
اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّٰه 2 مرتبه
حَیَّ عَلَی الصَّلٰاةْ 2 مرتبه
حَیَّ عَلَی الفَلٰاح 2 مرتبه
حَیَّ عَلَی خَیْرِ الْعَمَلِ 2 مرتبه
اللّٰه اكْبَر 2 مرتبه
لٰا الٰهَ الَّا اللّٰه 2 مرتبه

اقامه

اللّٰهُ اکْبَر 2 مرتبه
اشْهَدُ ان لّا الٰهَ اِلّا اللّٰه 2 مرتبه
اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّٰه 2 مرتبه
حَیَّ عَلَی الصَّلٰاةْ 2 مرتبه
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 83
حَیَّ عَلَی الفَلٰاح 2 مرتبه
حَیَّ عَلَی خَیْرِ الْعَمَلِ 2 مرتبه
قد قامت الصلاة 2 مرتبه
اللّٰه اکْبَر 2 مرتبه
لٰا الٰهَ الّٰا اللّٰه 1 مرتبه
مسألۀ 182- جملۀ «اشْهَدُ انَّ عَلیًّا وَلِیُّ اللّٰه» جزء اذان و اقامه نیست، ولی خوب است بعد از «اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّٰه»، به قصد قربت گفته شود.

مسألهٔ 183- اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود و اگر قبل از وقت بگوید، عمداً باشد یا سهواً، باطل است.
مسألهٔ 184- اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگوید، صحیح نیست.
مسألهٔ 185- بین جمله‌های اذان و اقامه، نباید زیاد فاصله شود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را تکرار کند.
مسألهٔ 186- اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند، نباید برای نماز

خود اذان و اقامه بگوید.
مسألهٔ 187- اگر انسان برای خواندن نماز جماعت به مسجد برود و ببیند نماز جماعت تمام شده و برای نماز جماعت اذان و اقامه گفته شده باشد، تا وقتی که صف‌ها بر هم نخورده و جمعیّت متفرق نشده‌اند، می‌تواند برای نماز خود اذان و اقامه نگوید.
مسألهٔ 188- نماز مستحبی اذان و اقامه ندارد.
مسألهٔ 189- مستحب است در روز اوّل که کودک به دنیا می‌آید، در گوش راست او، اذان و در گوش چپش، اقامه بگویند.
مسألهٔ 190- مستحب است کسی را که برای گفتن اذان، معیّن می‌کنند، عادل، وقت‌شناس و صدایش بلند باشد.

اعمال نماز

اشاره

مسألهٔ 191- نماز با گفتن «اللّٰه اکبر» شروع می‌شود و با سلام به پایان می‌رسد.

مسألهٔ 192- آنچه در نماز انجام می‌شود یا واجب است و یا مستحب.

مسألهٔ 193- واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رُکن و برخی، غیر رکن است.

واجبات نماز

اشاره

واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رکن و برخی غیر رکن است.
1- نیّت
2- قیام (ایستادن) هنگام تکبیرة الاحرام
متصل به رکوع (ایستادن پیش از رکوع)
رکن/ 3- تکبیرة الاحرام
4- رکوع
5- سجود
واجبات نماز
1- قرائت
2- ذکر
غیر رکن 3- تشهّد
4- سلام
5- ترتیب
6- موالات

فرق بین رُکن و غیر رُکن

مسألهٔ 194- ارکان نماز، اجزاء اساسی آن به شمار می‌آید و چنانچه یکی از آنها بجا آورده نشود و یا اضافه شود، هر چند بر اثر فراموشی هم باشد، نماز باطل است.

واجبات دیگر، گرچه انجام آنها لازم است، ولی چنانچه از روی فراموشی، کم یا زیاد شود نماز باطل نیست. ولی اگر
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 86
عمداً ترک شود، یا زیاد شود، نماز باطل است.

احکام واجبات نماز

نیّت

مسألۀ 195- نمازگزار، از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می‌خواند و باید آن را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد.
مسألۀ 196- به زبان آوردن نیت، لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید، اشکال ندارد.
مسألۀ 197- نماز، باید از هرگونه ریا و خودنمایی بدور باشد، یعنی نماز را تنها برای انجام دستور خداوند بجا آورد و چنانچه تمام نماز یا قسمتی از آن، برای غیر خدا باشد، باطل است.

تکبیرة الاحرام

مسألهٔ 198- همانگونه که گذشت، نماز با گفتن «اللّٰه اکبَر» آغاز می‌شود و به آن «تکبیرة الاحرام» می‌گویند. چون با همین تکبیر است که بسیاری از کارهایی که قبل از نماز جایز بوده، بر نمازگزار حرام می‌شود؛ مانند خوردن و آشامیدن،

خندیدن و گریستن.

مسألهٔ 199- مستحب است نمازگزار موقع گفتن تکبیرة الاحرام و تکبیرهای بین نماز، دست‌ها را تا مقابل گوش‌ها بالا ببرد.

قيام

مسألهٔ 200- قیام؛ یعنی ایستادن. نمازگزار باید تکبیرة الاحرام و قرائت را در حال قیام و آرامش بخواند.
مسألهٔ 201- اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید کاملًا بایستد، سپس به رکوع برود و پس از آن، سجده‌ها را بجا آورد.
مسألهٔ 202- بنا بر احتیاط واجب، نمازگزار باید موقع ایستادن هر دو پا را بر زمین بگذارد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد، اشکال ندارد.
مسألهٔ 203- کسی که به هیچ وجه حتی با تکیه کردن بر عصا یا دیوار نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته، رو به قبله نماز بخواند، و اگر نشسته هم نتواند، باید خوابیده بخواند.
مسألهٔ 204- واجب است بعد از رکوع بطور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام عمداً ترک شود، نماز باطل است.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 88

قرائت

اشاره

مسألهٔ 205- در رکعت اوّل و دوّم نمازهای روزانه، انسان باید اوّل حمد و بعد از آن یک سورهٔ کامل قرآن- مثلًا سورهٔ توحید- را بخواند.

سورۂ حمد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ*
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ* الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ* مٰالِكِ يَوْمِ الدِّينِ* إِيّٰاكَ نَعْبُدُ وَ إِيّٰاكَ نَسْتَعِينُ* اهْدِنَا الصِّرٰاطَ الْمُسْتَقِيمَ* صِرٰاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضّٰالِّينَ*

سورهٔ توحید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ*
قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ* اللّٰهُ الصَّمَدُ* لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ* وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ*
و در رکعت سوم و چهارم نماز، باید فقط سورهٔ حمد، یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر یک مرتبه هم بخواند، کافی است.

تسبیحات اربعه

«سُبْحانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ للّٰهِ وَ لا الهَ الَّا اللّٰهُ وَ اللّٰه اكْبَرْ»
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 89

مسألهٔ 206- در رکعت سوم و چهارم نماز، باید سوره حمد یا تسبیحات اربعه، آهسته خوانده شود.
مسألهٔ 207- در نماز ظهر و عصر، قرائت رکعت اوّل و دوّم نیز باید آهسته خوانده شود.
مسألهٔ 208- پسرها و مردان در نمازهای صبح، مغرب و عشا، باید حمد و سوره را در رکعت اوّل و دوّم بلند بخوانند، ولی دخترها و بانوان، اگر نامحرم صدایشان را نمی‌شنود، می‌توانند بلند بخوانند وگرنه، بنابر احتیاط واجب باید آهسته بخوانند.
مسألهٔ 209- اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته بخواند، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، نماز وی صحیح است.
مسألهٔ 210- اگر در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است؛ مثلًا می‌بایست بلند بخواند ولی آهسته خوانده، لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند.
مسألهٔ 211- انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که اصلًا نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند و احتیاط واجب است آن که نماز را به

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 90

جماعت بجا آورد، مگر آنکه بر او حرج باشد.

رکوع

مسألۀ 212- در هر رکعت بعد از قرائت، نمازگزار باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می‌گویند، و واجب است در حال رکوع ذکر بگوید.
مسألۀ 213- در رکوع، هر ذکری گفته شود کافی است، به شرط آن که به قدر سه مرتبه «سبحان اللّٰه»، یا یک مرتبه «سبحان ربی العظیم و بحمده» کمتر نباشد.
مسألۀ 214- در حال ذکر رکوع، باید بدن آرام باشد.
مسألۀ 215- اگر پیش از آنکه به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.
مسألۀ 216- اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد، نمازش باطل است.

سجود

اشاره

مسألۀ 217- نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده بجا آورد.
مسألۀ 218- سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها- شَست- را بر زمین بگذارد و در حال سجده، واجب است ذکر بگوید.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 91
مسألۀ 219- در سجده هر ذکری بگوید کافی است، به شرط آنکه مقدار ذکر از سه مرتبه «سبحان اللّٰه» یا یک مرتبه «سبحان ربی الاعلی و بحمده» کمتر نباشد.
مسألۀ 220- در حال ذکر سجده، باید بدن آرام باشد.
مسألۀ 221- اگر کسی پیش از آنکه پیشانی‌اش به زمین برسد و آرام گیرد، عمداً ذکر سجده را بگوید، باید بعد از رسیدن پیشانی به زمین و آرام گرفتن، دوباره ذکر را بگوید و به احتیاط واجب، پس از اتمام نماز آن را اعاده نماید و اگر به همان ذکر اوّل، اکتفا نماید، نمازش باطل است و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید.
مسألۀ 222- نمازگزار باید بعد از تمام شدن ذکر سجدۀ اول بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.
مسألۀ 223- اگر نمازگزار پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نمازش باطل است.
مسألۀ 224- اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، احتیاط واجب، آن است که بعد از آرام گرفتن همۀ اعضا، دوباره ذکر واجب را بگوید، و نماز را تمام نموده، آن را اعاده نماید. ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر از پیشانی، مواضع دیگر را از زمین
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 92
بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.
مسألۀ 225- اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم بر زمین باشد، مانع ندارد.
مسألۀ 226- نمازگزار باید در سجده پیشانی را بر زمین و یا آنچه از زمین می‌روید، ولی خوراکی و پوشاکی نیست، مانند چوب و برگ درخت، قرار دهد.
مسألۀ 227- سجده بر کانیهای معدنی؛ مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه، صحیح نیست.

مسألهٔ 228- سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است، مثل علف و کاه صحیح است.
مسألهٔ 229- سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد، اشکال دارد.
مسألهٔ 230- برای سجده، بهتر از هر چیز، تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام می‌باشد و بعد از آن بدین ترتیب:
* خاک
* سنگ
* گیاه
مسألهٔ 231- اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد و بدون این که مهر را بردارد دوباره به سجده رود، نماز باطل است.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 93

وظیفه کسی که نمی‌تواند بطور معمول، سجده کند

مسألۀ 232- کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می‌تواند خم شود و مهر را برجای بلندی، بگذارد و سجده کند، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را بطور معمول بر زمین بگذارد.

مسألۀ 233- اگر نمی‌تواند خم شود باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند، ولی احتیاط واجب آن است که، به قدری مهر را بلند کند تا پیشانی را بر آن بگذارد.

مسألهٔ 234- در چهار سورهٔ قرآن، آیهٔ سجده است که اگر انسان آن آیه را بخواند یا وقتی که دیگری آن را می‌خواند به آن گوش دهد، بعد از تمام شدن آیه باید فوراً سجده کند.
مسألهٔ 235- سوره‌هایی که آیه سجده، دارند:
* سورهٔ شمارهٔ 32: سجده، آیهٔ 15
* سورهٔ شمارهٔ 41: فُصِّلت، آیهٔ 37
* سورهٔ شمارهٔ 53: نَجم، آخرین آیه
* سورهٔ شمارهٔ 96: عَلَق، آخرین آیه
مسألهٔ 236- اگر سجده واجب را فراموش کند، هر وقت یادش آمد، باید سجده کند.
مسألهٔ 237- اگر آیهٔ سجده را از رادیو و ضبط صوت و
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 94
مانند آن بشنود، بنابر احتیاط واجب باید سجده کند.
مسألهٔ 238- اگر آیهٔ سجده را از مثلِ بلندگو که صدای انسان را می‌رساند بشنود، واجب است سجده کند.
مسألهٔ 239- گفتن ذکر در این سجده واجب نیست، اما مستحب می‌باشد.

تشهّد

مسألهٔ 240- در رکعت دوم و آخر نمازهای واجب، نمازگزار باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند، یعنی بگوید:
«اشْهَدُ ان لّا الهَ الَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لٰا شَرِیکَ لَهْ وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهْ اللهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدْ»

سلام

مسألهٔ 241- در رکعت آخر نماز، پس از تشهد، باید سلام دهد و نماز را به پایان ببرد.

مسألهٔ 242- مقدار واجب سلام یکی از این دو جمله است:

1- «السَّلاٰمُ عَلَیْناٰ وَ عَلیٰ عِباٰدِ اللّٰهِ الصّاٰلِحیٖنْ».

2- «السَّلاٰمُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاٰتُه».

و اگر سلام اوّل را بگوید، احتیاط واجب آن است که دوّمی را هم بگوید.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 95

و مستحب است پس از تشهد و قبل از سلام بگوید:

«السَّلاٰمُ عَلَیْکَ ایُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللّٰهَ وَ بَرَکاٰتُه».

ترتیب

مسألهٔ 243- نماز باید بدین ترتیب خوانده شود:
تکبیرة الاحرام، قرائت، رکوع، سجود، و در رکعت دوم پس از سجود، تشهد بخواند و در رکعت آخر، پس از تشهد، سلام دهد.

موالات

مسألۀ 244- موالات؛ یعنی پشت سر هم بودن اجزای نماز و فاصله نیانداختن بین آنها.
مسألۀ 245- اگر کسی بقدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل است.
مسألۀ 246- طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ، موالات را برهم نمی‌زند.

[مستحبات نماز]

قنوت

مسألهٔ 247- مستحب است در رکعت دوم نماز، بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند؛ یعنی دست‌ها را بلند کند و مقابل صورت بگیرد و دعا یا ذکری بخواند.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 96
مسألهٔ 248- در قنوت هر ذکری بگوید، اگر چه یک «سبحان اللّٰه» باشد، کافی است و می‌تواند این دعا را بخواند:
«رَبَّناٰ آتِناٰ فِی الدُّنْیاٰ حَسَنَةً وَ فِی الآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِناٰ عَذاٰبَ النّاٰر».

تعقیب نماز

تعقیب؛ یعنی مشغول شدن به ذکر و دعا و قرآن بعد از سلام نماز.
مسألهٔ 249- بهتر است انسان در حال تعقیب رو به قبله باشد.
مسألهٔ 250- لازم نیست تعقیب به زبان عربی گفته شود، ولی بهتر است چیزهایی را که در کتاب‌های دعا دستور داده‌اند، بخواند.
مسألهٔ 251- از چیزهایی که برای تعقیب نماز زیاد سفارش شده، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام است؛ یعنی گفتنِ 34 مرتبه «اللّٰه اکْبَرْ» و 33 مرتبه «الْحَمْدُ لِلّٰهْ» و 33 مرتبه «سُبْحانَ اللّٰه».
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 97

مبطلات نماز

اشاره

مسألهٔ 252- آنگاه که نمازگزار، تکبیرة الاحرام می‌گوید و نماز را شروع می‌کند، تا پایان آن، بعضی از کارها بر او حرام می‌شود که اگر در نماز، یکی از آنها را انجام دهد، نمازش باطل است، مانند:

- سخن گفتن.
- خندیدن.
- گریستن.
- روی از قبله برگرداندن.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 98

- خوردن و آشامیدن.
- بر هم زدن صورت نماز.
- کم یا زیاد کردن ارکان نماز (به شرحی که در مسألهٔ شمارهٔ 194 گذشت.) «1»

احکام مبطلات نماز

سخن گفتن

مسألۀ 253- اگر نمازگزار عمداً کلمه‌ای بگوید که دو حرف یا بیشتر داشته باشد، اگر چه آن کلمه معنایی هم نداشته باشد، نمازش باطل است.
مسألۀ 254- اگر از روی فراموشی سخن بگوید؛ مثلًا متوجه نیست که در حال نماز است، نماز باطل نمی‌شود.
مسألۀ 255- سرفه کردن و عطسه نمودن، نماز را باطل نمی‌کند.
مسألۀ 256- در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند، واجب است جواب او را بدهد، و باید همانطور که او سلام کرده جواب دهد؛ مثلًا اگر گفته:
«سلامٌ علیکم»، در جواب بگوید، «سلامٌ علیکم»، ولی در

---

(1). برای آشنایی با سایر مبطلات نماز می‌توان به رسالۀ توضیح المسائل، مسألۀ 1135، مراجعه نمود.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 99
جواب «علیکم السلام» باید بگوید: «سلامٌ علیکم».

خندیدن

مسألهٔ 257- اگر نمازگزار عمداً با صدا بخندد، نمازش باطل است، چنانچه سهواً هم با صدا بخندد بطوری که صورت نماز از بین برود نماز باطل است.
مسألهٔ 258- لبخند زدن نماز را باطل نمی‌کند.

روی از قبله برگرداندن

مسألهٔ 259- اگر عمداً به قدری روی خود را از قبله برگرداند که نگویند رو به قبله است، نمازش باطل است.
مسألهٔ 260- اگر تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند،- عمداً باشد یا سهواً- نماز وی صحیح است، اگر چه این عمل، کراهت دارد.

خوردن و آشامیدن

مسألۀ 261- اگر نمازگزار چیزی بخورد یا بیاشامد، بطوری که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل است.

مسألۀ 262- اگر نمازگزار چیزی بخورد یا بیاشامد، به طوری که موالات نماز از بین برود، هر چند صورت نماز برهم نخورد، بنابر احتیاط واجب، نمازش باطل می‌شود.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 100

بر هم خوردن صورت نماز

مسألۀ 263- اگر در بین نماز کاری کند که صورت نماز را بر هم زند؛ مثل دست زدن، به هوا پریدن و ...، هر چند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می‌شود.
مسألۀ 264- اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل می‌شود.
مسألۀ 265- رها کردن نماز واجب- شکستن نماز- حرام است، مگر در حال ناچاری؛ مانند این موارد:
حفظ جان، حفظ مال، جلوگیری از ضرر مالی و بدنی
مسألۀ 266- شکستن نماز برای پرداخت بدهی مردم با این شرایط اشکال ندارد:
* در بین نماز نمی‌تواند بدهی را بپردازد.
* طلبکار، طلب خود را می‌خواهد.
* وقت نماز تنگ نیست، یعنی می‌تواند پس از پرداخت بدهی، نماز را در وقت آن بخواند.
مسألۀ 267- شکستن نماز برای مالی که اهمیّت ندارد، مکروه است.
مسألۀ 268- برخی از کارهایی که در نماز مکروه است:
1- برهم گذاشتن چشم‌ها.
2- بازی کردن با انگشتان و دست‌ها.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 101
3- سکوت کردن در هنگام خواندن حمد یا سوره و یا ذکر، برای شنیدن حرف کسی.
4- هر کاری که خضوع را از بین ببرد.
5- برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم،- چون زیاد آن نماز را باطل می‌کند-.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 102

ترجمه اذان و اقامه

«اللّٰهُ اکْبَرْ».
خدا بزرگتر است.
«اشْهَدُ ان لّا الهَ الّا اللّٰه».
گواهی می‌دهم که جز آفریدگار جهان خدایی نیست.
«اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّٰه».
گواهی می‌دهم که محمد پیغمبر خدا است.
«حَیَّ عَلیَ الصَّلاٰةْ».
بشتابید به سوی نماز.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 103
«حَیَّ عَلیَ الْفَلاٰحْ».
بشتابید به سوی رستگاری.
«حَیَّ عَلیٰ خَیْرِ الْعَمَلِ». بشتابید به سوی بهترین عمل.
«قَدْ قٰامَتِ الصَّلَاةْ».
همانا نماز برپا شد.
«اللّٰهُ اکْبَرْ».
خدا از همه بزرگتر است.
«لاٰ الهَ الّا اللّٰه».
جز آفریدگار جهان خدایی نیست.

تکبیرة الاحرام: «اللّٰهُ اکْبَرْ».
خدا بزرگتر است.
حمد: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ».
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان.
«الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِینَ».
ستایش، مخصوص خدا، پرودگار جهانیان است.
«الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ».
که بخشنده و مهربان است.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 104
«مٰالِکِ یَوْمِ الدِّینِ».
صاحب روز جزا و قیامت است.
«إِیّٰاکَ نَعْبُدُ وَ إِیّٰاکَ نَسْتَعِینُ».
تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم.
«اهْدِنَا الصِّرٰاطَ الْمُسْتَقِیمَ».
ما را به راه راست هدایت فرما.
«صِرٰاطَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ».
راه کسانی که به آنها نعمت داده‌ای.
«غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَ لَا الضّٰالِّینَ».
نه راه کسانی که بر آنها غضب کرده‌ای، و نه گمراهان.
سوره: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ».
بنام خداوند بخشندهٔ مهربان.
«قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ».
بگو او خداوند یکتاست.
«اللّٰهُ الصَّمَدُ».
خداوند بی‌نیاز است.
«لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ».
نزاده و زاییده نشده است.
«وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ».
و هیچ کس، همتای او نیست.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 105
ذکر رکوع: «سُبْحٰانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِه».
خدای بزرگ خود را منزه می‌دانم و می‌ستایم.
ذکر سجود: «سُبْحانَ رَبِّیَ الاعْلیٰ وَ بِحَمْدِه».

خداوند خود را که از همه بالاتر است می‌ستایم و پیراسته می‌شمرم.
تسبیحات اربعه: «سُبْحٰانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لا الٰه الّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اکْبَرْ».
منزه است خدا، ستایش مخصوص خدا است، جز آفریدگار جهان خدایی نیست و خدا از همه بزرگتر است.
تشهّد: «اشْهَدُ ان لّا اله الَّا اللّٰهُ وَحدَهُ لٰا شَرِیکَ لَهْ».
گواهی می‌دهم که جز آفریدگار، خدایی نیست و یکتا و بی‌همتاست و شریک ندارد.
«وَ اشْهَدُ انَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهْ».
و گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستادهٔ خداوند است.
«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدْ».
خداوندا! بر محمد و خاندان او درود فرست.
سلام: «السَّلٰامُ عَلَیْکَ ایُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاٰتُه».
درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای پیامبر!
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 106
«السَّلٰامُ عَلَیْناٰ وَ عَلیٰ عِباٰدِ اللّٰهِ الصّٰالِحِینْ».
درود بر ما- نمازگزاران- و بر بندگان شایستهٔ خدا.
«السَّلٰامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاٰتُه».
سلام بر شما و رحمت و برکات خدا بر شما باد.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 107

شکیات نماز

اشاره

گاهی ممکن است نمازگزار در انجام جزئی از نماز شک کند؛ مثلًا نمی‌داند تشهد را خوانده است یا نه، و یا نمی‌داند یک سجده بجا آورده است یا دو سجده، و گاهی در تعداد رکعاتی که خوانده است شک می‌کند؛ مثلًا نمی‌داند اکنون مشغول رکعت سوّم است یا چهارم.

برای شک در نماز، احکام خاصی است و بیان تمام موارد آن از حد این نوشته خارج است، ولی بطور مختصر، به بیان اقسام شک و احکام هر کدام می‌پردازیم:

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 108

شک در اجزای نماز

مسألۀ 269- اگر نمازگزار در انجام جزئی از اجزای نماز شک کند؛ یعنی نمی‌داند آن جزء را بجا آورده است یا نه، اگر جزء بعدی را شروع نکرده؛ یعنی هنوز از محل آن جزء نگذشته است؛ باید آن را بجا آورد. ولی اگر بعد از داخل شدن در جزء بعدی شک پیش آمده؛ یعنی از محل آن گذشته است؛ به چنین شکی اعتنا نمی‌شود و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است.

مسألۀ 270- اگر بعد از انجام جزئی از نماز در صحّت آن شک کند، یعنی نمی‌داند جزئی را که بجا آورده، صحیح انجام شده است یا نه، در این صورت به شک خود اعتنا نمی‌کند، یعنی؛ بنا را بر صحیح بودن آن می‌گذارد و نماز را ادامه می‌دهد.

شکهایی که نماز را باطل می‌کند

مسألهٔ 271- اگر در نماز دو رکعتی؛ مثل نماز صبح، یا در نماز مغرب، شک در رکعات پیش آید، نماز باطل است.
مسألهٔ 272- اگر بین یک و بیشتر از یک شک کند؛ مثلًا یک و دو، یا یک و سه، نماز باطل است.
مسألهٔ 273- اگر در نماز نداند چند رکعت خوانده، نماز باطل است.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 109
مسألهٔ 274- شک در رکعات نماز چهار رکعتی
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 110

[شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد]

مسألهٔ 275- شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد:
* در نماز مستحبی.
* در نماز جماعت.
* پس از سلام نماز.
* بعد از گذشت وقت نماز.

مسألهٔ 276- اگر در تعداد رکعت‌های نماز مستحبی شک کند، بنا را بر دو می‌گذارد چون تمام نمازهای مستحبی- بجز نماز وتر و اعرابی- دو رکعتی است. پس اگر شک بین یک و دو یا دو و بیشتر از آن پیش آید، بنا را بر دو می‌گذارد و نماز صحیح است.

مسألهٔ 277- در نماز جماعت، اگر امام جماعت در رکعت‌های نماز شک کند ولی مأموم شک نداشته باشد و به امام بفهماند که رکعت چندم است، امام جماعت نباید به شک خود اعتنا کند و همچنین اگر مأموم شک کند، ولی امام جماعت شک نداشته باشد، همانگونه که امام جماعت نماز را انجام می‌دهد، او هم عمل می‌کند و صحیح است.

مسألهٔ 278- اگر بعد از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه؛ مثلًا شک کند رکوع کرده یا نه، یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شک خود اعتنا نکند، ولی اگر هر دو طرف شک او

باطل باشد؛ مثلًا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.

مسألهٔ 279- اگر بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست، ولی اگر پیش از گذشتن وقت شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، باید آن را بجا آورد.

مسألهٔ 280- اگر یکی از شکهایی که نماز را باطل می‌کند، پیش آید، باید مقداری فکر کند و چنانچه چیزی یادش نیامد و شک باقی ماند، نماز را برهم می‌زند و دوباره شروع کند.

نماز احتیاط

مسألۀ 281- در مواردی که نماز احتیاط واجب می‌شود، مثل: شک بین 3 و 4، باید بعد از سلام نماز، بدون آنکه صورت نماز را برهم بزند و یا مبطلی از مبطلات نماز را انجام دهد، برخیزد و بدون اذان و اقامه تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.

مسألۀ 282- فرق نماز احتیاط با نمازهای دیگر:

* نیّت آن را نباید به زبان آورد.
* سوره و قنوت ندارد (هرچند دو رکعتی باشد).
* سورۀ حمد، حتّی بسم اللّه را بنابر احتیاط واجب باید آهسته بخواند.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 112

مسألۀ 283- اگر یک رکعت نماز احتیاط، واجب باشد، پس از سجده‌ها، تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد، نباید در رکعت اول تشهد و سلام بخواند، بلکه باید یک رکعت دیگر هم (بدون تکبیرة الاحرام) بخواند و در پایان رکعت دوم تشهد بخواند و سلام دهد.

سجدۀ سهو

مسألۀ 284- در مواردی که سجده سهو واجب می‌شود، مانند: شک بین 4 و 5 در حالت نشسته، باید بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید: «بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ صَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهْ» یا «بِسْمِ اللّٰهِ و بِاللّٰهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و یا بگوید: «بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ السَّلامُ عَلَیْکَ ایُّهَا النَّبیُّ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاٰتُه» و بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالا را بگوید. سپس بنشیند و تشهد و سلام را بخواند.

نماز مسافر

اشاره

مسألۀ 285- انسان باید در سفر، نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت- یعنی شکسته- بجا آورد، به شرط آن که مسافرتش از هشت فرسخ کمتر نباشد.
هشت فرسخ شرعی،

تقریباً 45 کیلومتر است.
مسألۀ 286- اگر مسافر از جایی که نمازش تمام است؛ مثل وطن، حد اقل چهار فرسخ می‌رود و چهار فرسخ برمی‌گردد، نمازش در این سفر هم شکسته است.
مسألۀ 287- کسی که به مسافرت می‌رود، زمانی باید نمازش را شکسته بخواند که حد اقل به مقداری دور شود که اذان آنجا را نشنود و اهل آنجا او را نبینند و نشانۀ آن این است که اهل آنجا را نبیند و چنانچه قبل از آن که به این مقدار دور شود، بخواهد نماز بخواند، باید نماز را تمام بخواند.
مسألۀ 288- اگر به جایی می‌رود که دو راه دارد، یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد، چنانچه از راهی که هشت فرسخ است برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود، باید نماز را چهار رکعتی بخواند؛ مثلًا اگر از وطن به روستایی می‌رود که دو راه دارد؛ یک راه 4 فرسخ است و راه دیگر 3 فرسخ، اگر از راه اوّل برود و از همان راه برگردد، نمازش در بین راه و در آن روستا، شکسته است.
ولی اگر از راه اوّل برود و از راه دیگر برگردد و یا از راه دوّم برود و از همان راه برگردد، چون مجموع سفر کمتر از 8 فرسخ می‌باشد، نماز در بین راه و در آن روستا تمام است.

مسألۀ 289- در این موارد، در سفر، نماز باید تمام خوانده شود:
1- قبل از آن که هشت فرسخ برود، از وطن خود می‌گذرد و یا در جایی ده روز می‌ماند.
2- از اول قصد نداشته است به سفر هشت فرسخی برود و بدون قصد، این مسافت را پیموده است؛ مثل کسی که به دنبال گمشده‌ای می‌گردد.
3- در بین راه از قصد سفر برگردد؛ یعنی قبل از رسیدن به چهار فرسخ، از رفتن منصرف شود.
4- کسی که شغل او مسافرت است، مثل رانندۀ قطار و ماشینهای برون شهری، خلبان، ملوان (در سفری که شغل اوست).
5- کسی که برای کارش بطور متعارف بین ده روز، حدّ اقل یک بار به

مسافرت می‌رود؛ مانند دانش‌آموزی که برای تحصیل به شهر دیگر می‌رود و هر جمعه به وطن خود برمی‌گردد.

6- کسی که به سفر حرام می‌رود؛ مانند سفری که موجب اذیّت پدر و مادر باشد.

مسألهٔ 290- در این مکانها نماز تمام است:

در وطن.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 115

در جایی که بنا دارد ده روز بماند.

در جایی که سی روز با تردید مانده است؛ یعنی معلوم نبوده که می‌ماند یا می‌رود و تا سی روز به همین حالت مانده، و جایی هم نرفته است، در این صورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.

وطن کجاست؟

مسألهٔ 291- وطن، جایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده است.
مسألهٔ 292- فرزند، تا زمانی که با پدر و مادر زندگی می‌کند و مستقل نشده است، همان وطن پدر و مادر وطن او نیز می‌باشد، هر چند در آنجا به دنیا نیامده باشد و پس از آنکه در زندگی مستقل شد، اگر جای دیگری را برای زندگی همیشگی اختیار کرد، آنجا وطن او می‌شود. بنابراین به عنوان مثال پدر و مادری که اهل اصفهان هستند، ولی مدتی برای کار به شیراز رفته‌اند و بنا دارند باز به اصفهان برگردند و فرزند در شیراز به دنیا آمده است. ولی چون اصفهان وطن پدر و مادر می‌باشد، تا زمانی که فرزند با آنها زندگی می‌کند، اصفهان برای او نیز حکم وطن را دارد و اگر به اصفهان برود،

باید در آنجا نماز را تمام بخواند.
مسألهٔ 293- اگر وضع اقامت انسان، در غیر وطن اصلی، به گونه‌ای باشد که انتقال او از آنجا به محلّی دیگر، مثل انتقال سایر اهالی آن محل، محتاج به سببی خاص باشد، آنجا وطن او محسوب می‌گردد.
مسألهٔ 294- اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلی او نیست مدتی بماند و بعد به جای دیگری برود، آنجا وطن او حساب نمی‌شود، مانند دانشجویی که مدتی برای تحصیل در شهری می‌ماند.
مسألهٔ 295- اگر انسان بدون قصد ماندن همیشگی و بدون قصد رفتن در جایی آن قدر بماند که مردم او را اهل آنجا بدانند، آنجا حکم وطن او را دارد.
مسألهٔ 296- اگر به جایی برود که قبلًا وطن او بوده، ولی هم اکنون از آنجا اعراض کرده است؛ یعنی بنا گذاشته که دیگر برای سکونت به آنجا برنگردد، نباید نماز را تمام بخواند، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.
مسألهٔ 297- مسافری که به وطنش برمی‌گردد، وقتی دیوار وطن را ببیند، باید نماز را تمام بخواند.

مسألۀ 298- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده است باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

مسألۀ 299- اگر مسافر از قصد ده روز برگردد:

الف: قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد؛ باید نماز را شکسته بخواند.

ب: بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد؛ تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.

نماز قضا، نمازی را گویند که بعد از وقت خوانده شود.
مسألۀ 300- انسان باید نمازهای واجب را در وقت معین آن بخواند و چنانچه بدون عذر نمازی از او قضا شود، گناهکار است و باید توبه کرده و قضای آن را هم بجا آورد.
مسألۀ 301- در دو مورد، بجا آوردن قضای نماز، واجب است:
الف: نماز واجب را در وقت آن، نخوانده باشد.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 118
ب: بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده، باطل بوده است.
مسألۀ 302- کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی واجب نیست فوراً آن را بجا آورد.
مسألۀ 303- قضای نمازهای روزانۀ مربوط به یک روز، باید به ترتیب خوانده شود، ولی مثلًا کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده، ترتیب آن‌ها لازم نیست.
مسألۀ 304- کسی که می‌داند نماز قضا دارد، ولی شمارۀ آنها را نمی‌داند؛ مثلًا نمی‌داند چهار تا بوده یا پنج تا، چنانچه کمتر را بخواند کافی است.
مسألۀ 305- اگر شمارۀ آنها را می‌دانسته، ولی فراموش کرده است، بهتر است بقدری نماز بخواند که یقین کند تمام آنها را خوانده است.
مسألۀ 306- نماز قضا را با جماعت می‌توان خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا، و لازم نیست هر دو، یک نماز را بخوانند، مثلًا اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند، اشکال ندارد.
مسألۀ 307- اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشاء، از او قضا شود، باید آن را دو رکعتی بجا آورد، اگر چه در غیر سفر بخواهد قضای آن را بجا آورد.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 119
مسألۀ 308- در سفر نمی‌توان روزه گرفت، حتی روزۀ قضا، ولی نماز قضا می‌توان بجا آورد.
مسألۀ 309- اگر در سفر بخواهد نمازهایی را که غیر سفر قضا شده است بجا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشاء را چهار رکعتی قضا کند.
مسألۀ 310- نماز قضا را در هر وقتی می‌توان بجا آورد، یعنی قضای نماز صبح را می‌توان ظهر یا شب خواند.
نماز قضای پدر و مادر
مسألۀ 311- تا انسان زنده است، اگر چه از خواندن نماز خود عاجز باشد، دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا کند.

مسألهٔ 312- اگر پدر به جهت عذری نماز یا روزه‌اش را بجا نیاورده باشد، پس از مرگ او، بر پسر بزرگتر واجب است آنها را قضا نماید، امّا اگر از روی نافرمانی ترک کرده باشد، بنا بر احتیاط واجب پسر بزرگتر، آن را قضا نماید.

نماز جماعت

اشاره

وحدت امّت اسلامی، از جمله مسائلی است که اسلام، به آن اهمیّت بسیاری داده است، و برای حفظ و ادامهٔ آن، برنامه‌های ویژه‌ای دارد؛ یکی از آنها نماز جماعت است.
در نماز جماعت، یکی از نمازگزاران که دارای ویژگی
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 120
خاصی است پیشاپیش جمعیت می‌ایستد و دیگران در صفوفی منظم، پشت سر او و هماهنگ با او نماز را بجا می‌آورند.
کسی که در این نماز دسته جمعی، پیشاپیش جمعیت می‌ایستد «امام جماعت» است و کسی که پشت سر او، در نماز از او پیروی می‌کند، «مأموم» نام دارد.

اهمیّت نماز جماعت

گذشته از آنکه در روایات زیادی، برای نماز جماعت، اجر و پاداش بسیاری وارد شده است، با دقّت در برخی از مسائل احکام، به اهمیت این عبادت پی می‌بریم، و در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

مسألهٔ 313- شرکت در نماز جماعت برای هر کس مستحب است، بویژه برای همسایهٔ مسجد.

مسألهٔ 314- مستحب است، انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

مسألهٔ 315- نماز جماعت، هر چند اوّل وقت خوانده نشود، از نماز فُرادای «1» اوّل وقت بهتر است.

مسألهٔ 316- نماز جماعتی که مختصر خوانده می‌شود، از

---

(1). نمازی که به تنهایی خوانده شود و به جماعت خوانده نشود، «نماز فرادا» نام دارد.

نماز فرادایی که آن را طول بدهد بهتر است.

مسألهٔ 317- سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

مسألهٔ 318- حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی به آن، جایز نیست.

شرایط نماز جماعت

مسألهٔ 319- هنگام برپایی نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود:
1- مأموم از امام جلوتر نایستد، و احتیاط واجب آن است که کمی عقب‌تر بایستد.
2- جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین، بالاتر نباشد.
3- فاصلهٔ امام و مأموم و همچنین بین صف‌ها، زیاد نباشد، و احتیاط آن است که فاصله بیش از یک گام نباشد.
4- بین امام و مأموم و همچنین بین صف‌ها، چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، ولی نصب پرده و مانند آن بین صف مردها و زنها اشکال ندارد.
مسألهٔ 320- امام جماعت باید بالغ و عادل باشد و نماز را بطور صحیح بخواند.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 122

مسألهٔ 321- در هر رکعت، تنها در بین قرائت و در رکوع می‌توان به «امام» اقتدا کرد، پس اگر به رکوع امام جماعت نرسد، باید در رکعت بعد اقتدا کند، و اگر تنها به رکوع امام جماعت هم برسد، یک رکعت به حساب می‌آید.

مسألهٔ 322- حالات مختلف برای پیوستن به نماز جماعت:

رکعت اوّل

1- در بین قرائت: مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و بقیّه اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد.

2- در رکوع: رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد.

رکعت دوّم

1- در بین قرائت: مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و با امام، قنوت و رکوع و سجده را بجا می‌آورد و آنگاه که امام جماعت تشهد می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب باید به صورت نیم‌خیز، بنشیند «1» و اگر نماز دو رکعتی است یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند و نماز را تمام کند و اگر سه یا چهار رکعتی

---

(1) به این عمل «تَجافی» گفته می‌شود.

است، در رکعت دوّم که امام جماعت در رکعت سوّم می‌باشد، حمد و سوره بخواند (هر چند امام جماعت تسبیحات بخواند) و آنگاه که امام جماعت رکعت سوّم را تمام کرد، و برای رکعت چهارم بر می‌خیزد، مأموم باید پس از دو سجده، تشهد بخواند، و برای خواندن رکعت سوّم برخیزد و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهد و سلام، نماز را به پایان می‌برد یک رکعت دیگر می‌خواند.

2- در رکوع: رکوع را با امام جماعت بجا می‌آورد و بقیه نماز را همانگونه که گفته شد، انجام می‌دهد.

رکعت سوّم

1- در بین قرائت: زمانی که می‌داند اگر اقتدا کند، برای خواندن حمد و سوره و یا حمد تنها وقت دارد، می‌تواند اقتدا کند و باید حمد و سوره یا فقط حمد را بخواند، و اگر می‌داند فرصت ندارد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.

2- در رکوع: چنانچه در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام بجا می‌آورد و حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است، و بقیهٔ نماز را همانگونه که قبلاً بیان

شد بجا می‌آورد.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 124
رکعت چهارم
1- در بین قرائت: حکم اقتدا در رکعت سوم را دارد، و آنگاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام می‌نشیند، بنابر احتیاط واجب، بطور نیم‌خیز بنشیند تا تشهد امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد.
2- در رکوع: رکوع و سجده‌ها را با امام بجا می‌آورد، (اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اوّل مأموم است) و بقیهٔ نماز را همانگونه که گذشت انجام می‌دهد.

مسألهٔ 323- اگر امام جماعت یکی از نمازهای یومیّه را می‌خواند، هر کدام از نمازهای یومیه را می‌توان به او اقتدا کرد، بنابراین اگر امام، نماز عصر را می‌خواند، مأموم می‌تواند، نماز ظهر را به او اقتدا کند، و اگر مأموم پس از آنکه نماز ظهر را خواند، جماعت برپا شود می‌تواند، نماز عصر را به ظهر امام جماعت اقتدا کند.
مسألهٔ 324- مأموم می‌تواند نماز قضای خود را به نماز ادای امام، اقتدا کند، هر چند قضای دیگر نمازهای یومیّه باشد، مثلًا امام جماعت نماز ظهر را می‌خواند و او قضای نماز صبح را.
مسألهٔ 325- نماز جماعت، حدّ اقل با دو نفر برپا می‌شود،
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 125
یک نفر امام و یک نفر هم مأموم، مگر در نماز جمعه و عید فطر و قربان.
مسألهٔ 326- نمازهای مستحبی را نمی‌توان به جماعت خواند، مگر نماز طلب باران. «1»
مسألهٔ 327- مأموم نباید تکبیرة الاحرام را پیش از امام بگوید، بلکه تا تکبیر امام تمام نشده، نباید تکبیر بگوید.
مسألهٔ 328- مأموم، باید غیر از حمد و سوره، بقیّه نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اوّل یا دوّم او، و رکعت سوّم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را نیز بخواند.

نماز جمعه

اشاره

یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان «نماز جمعه» است، و نمازگزاران در روز جمعه می‌توانند با نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند و نماز جمعه کفایت از نماز ظهر نمی‌کند.
در فضیلت این نماز، همین بس که سوره‌ای در قرآن به این نام آمده و در آنجا صریحاً مؤمنان را به حضور در نماز جمعه دعوت فرموده است.

---

(1). به این نماز «استسقاء» گفته می‌شود.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 126

چگونگی نماز جمعه

مسألهٔ 329- نماز جمعه دو رکعت است، مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه، قبل از نماز ایراد می‌شود.
مسألهٔ 330- احتیاط آن است که امام جمعه حمد و سوره را بلند بخواند.
مسألهٔ 331- در نماز جمعه مستحب است در رکعت اول پس از سورهٔ حمد، سورهٔ «جمعه» و در رکعت دوم پس از حمد «منافقون» خوانده شود.
مسألهٔ 332- در نماز جمعه دو قنوت مستحب است، یکی در رکعت اول، پیش از رکوع، دیگری در رکعت دوم، پس از رکوع.

شرایط نماز جمعه

مسألهٔ 333- در نماز جمعه شرایط زیر باید مراعات شود:
* تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود، در نماز جمعه هم معتبر است.
* باید به جماعت برگزار شود و فُرادا صحیح نیست.
* حد اقل تعداد افراد، برای برپایی نماز جمعه، پنج نفر می‌باشد؛ یعنی یک نفر امام، و چهار مأموم.
* بین دو نماز جمعه، حد اقل باید یک فرسخ فاصله باشد.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 127

وظیفهٔ نمازگزاران جمعه

مسألهٔ 334- بنابر احتیاط واجب مأمومین باید به خطبه‌ها گوش دهند.
مسألهٔ 335- احتیاط مستحب است از سخن گفتن بپرهیزند.
مسألهٔ 336- احتیاط مستحب است، شنوندگان، هنگام ایراد خطبه‌ها، رو به امام جمعه بنشینند و به این طرف و آن طرف نگاه نکنند.
مسألهٔ 337- اگر انسان به رکعت اول نماز جمعه نرسد، در صورتی که خود را به رکعت دوم، هر چند در رکوع، برساند صحیح است و رکعت دوم را خودش می‌خواند.

نماز آیات

اشاره

مسألۀ 338- یکی از نمازهای واجب «نماز آیات» است که به سبب پیش آمدن این حوادث واجب می‌شود:
زلزله، خسوف (ماه گرفتگی)، کسوف (خورشید گرفتگی)، و نیز رعد و برق، و وزیدن بادهای زرد و سرخ در صورتی که بیشتر مردم بترسند.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 128

چگونگی نماز آیات

مسألهٔ 339- نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت آن پنج رکوع دارد و قبل از هر رکوع، سورهٔ حمد و سورهٔ دیگری از قرآن خوانده می‌شود؛ ولی می‌توان یک سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند، که در این صورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می‌شود.

در اینجا با تقسیم سورهٔ «اخلاص» چگونگی نماز آیات را می‌آوریم:

رکعت اوّل

پس از تکبیرة الاحرام سورهٔ حمد را بخواند و «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ» بگوید و به رکوع رود.

سپس بایستد و بگوید: «قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ» و به رکوع رود.

بار دیگر بایستد و بگوید: «اللّٰهُ الصَّمَدُ» و به رکوع رود.

سر از رکوع بردارد و بگوید «لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ» و به رکوع رود.

از رکوع سر بردارد و بگوید: «وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ» و به رکوع رود.

و بعد از سر برداشتن از رکوع به سجده رود و پس از انجام دو سجده برای رکعت دوّم برخیزد.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 129

رکعت دوّم

رکعت دوّم را نیز مانند رکعت اوّل بجا می‌آورد و سپس با تشهد و سلام، نماز به پایان می‌برد.

احکام نماز آیات

مسألهٔ 340- اگر یکی از سبب‌های نماز آیات در شهری اتفاق بیافتد، فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست.

مسألهٔ 341- اگر در یک رکعت از نماز آیات پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند صحیح است.

مسألهٔ 342- مستحب است پیش از رکوع دوّم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند، و اگر تنها یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است.

مسألهٔ 343- هر یک از رکوع‌های نماز آیات، رکن است، که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.

مسألهٔ 344- نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره‌ها را تنها امام جماعت می‌خواند.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 130

نمازهای مستحب

اشاره

«1» مسألهٔ 345- نمازهای مستحب بسیار است و این نوشته گنجایش تمام آنها را ندارد، امّا برخی از آنها را که اهمیت بیشتری دارد می‌آوریم:

نماز عید

اشاره

مسألهٔ 346- در دو عید «فطر» و «قربان» خواندن نماز مخصوص عید مستحب است.

وقت نماز عید

مسألهٔ 347- وقت نماز عید، از طلوع آفتاب است تا ظهر.

مسألهٔ 348- مستحب است، در عید فطر، بعد از بلند شدن آفتاب، افطار کنند و زکات فطره «2»، را هم بدهند، سپس نماز عید را بخوانند.

چگونگی نماز عید

نماز عید دو رکعت است، با نُه قنوت و اینگونه خوانده می‌شود:

---

(1). نماز مستحب را «نافِلَه» گویند.
(2). زکات فطره یکی از واجب‌های مالی است که روز عید فطر باید پرداخت شود. (به مسألهٔ 384 مراجعه کنید).
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 131
* در رکعت اوّل نماز پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود، و بعد از هر تکبیر یک قنوت، و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده.
* در رکعت دوّم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می‌شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت چهارم، تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده و تشهد و سلام.
* در قنوت‌های نماز عید، هر دعا و ذکری بخوانند، کافی است، ولی بهتر است، این دعا را بخوانند:
«اللّٰهُمَّ اهْلَ الْكِبْرِياٰءِ وَ الْعَظَمَةْ وَ اهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبَرُوتِ وَ اهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحمَةْ وَ اهْلَ التَّقْوىٰ وَ الْمَغْفِرَةْ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ هذَا الْيَوْم الَّذی جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمينَ عيداً وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْه وَ آلِهِ ذُخْراً وَ شَرَفاً وَ كَراٰمَةً وَ مَزيداً انْ تُصَلّی عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْ تُدْخِلَنی فی كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتَ فيهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ انْ تُخْرِجَنی مِنْ كُلِّ سوءٍ اخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَواٰتُکَ عَلَيْهِ وَ عَلَيهِمْ اللّٰهُمَّ انّی أَسْأَلُکَ خَيْرَ ماٰ سَأَلَکَ بِهِ عِباٰدُکَ الصّاٰلِحوُن وَ اعُوذُ بِکَ مِمَّا اسْتَعاٰذَ مِنْهُ عِباٰدُکَ الْمُخْلَصُونْ.»

نافله‌های شبانه‌روزی

اشاره

نافله‌های شبانه روزی در غیر روز جمعه 34 رکعت است که از جملهٔ آنها یازده رکعت «نافلهٔ شب» و دو رکعت «نافلهٔ صبح» و دو رکعت «نافلهٔ عشاء» می‌باشد که ثواب
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 132
بسیار دارد. «1»

اشاره

مسألهٔ 349- نماز شب 11 رکعت است که بدین ترتیب خوانده می‌شود:
دو رکعت به نیّت نافلهٔ شب.
دو رکعت به نیّت نافلهٔ شب.
دو رکعت به نیّت نافلهٔ شب.
دو رکعت به نیّت نافلهٔ شب.
دو رکعت به نیّت نافلهٔ شفع.
یک رکعت به نیّت نافلهٔ وَتر.

وقت نماز شب

مسألهٔ 350- وقت نماز شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.
مسألهٔ 351- مسافر و کسی که برای او سخت است نافلهٔ شب را بعد از نصف شب بخواند، می‌تواند آن را در اوّل شب بجا آورد.

---

(1). برای آشنایی بیشتر با نافله‌های شبانه روزی به رسالهٔ توضیح المسائل، مسألهٔ 772، مراجعه کنید.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 133

نماز غفیله

اشاره

مسألهٔ 352- یکی دیگر از نمازهای مستحبی، نماز «غفیله» است که بین نماز مغرب و عشا خوانده می‌شود.

کیفیّت نماز غفیله

مسألهٔ 353- نماز غفیله دو رکعت است، که در رکعت اوّل، پس از حمد، باید این آیه خوانده شود:
«وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغٰاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنٰادىٰ فِی الظُّلُمٰاتِ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ سُبْحٰانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظّٰالِمِينَ فَاسْتَجَبْنٰا لَهُ وَ نَجَّيْنٰاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ کَذٰلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِينَ».
و در رکعت دوّم، پس از حمد، این آیه خوانده می‌شود:
«وَ عِنْدَهُ مَفٰاتِحُ الْغَيْبِ لاٰ يَعْلَمُهٰا إِلاّٰ هُوَ وَ يَعْلَمُ مٰا فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مٰا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلاّٰ يَعْلَمُهٰا وَ لاٰ حَبَّةٍ فِی ظُلُمٰاتِ الْأَرْضِ وَ لاٰ رَطْبٍ وَ لاٰ يٰابِسٍ إِلاّٰ فِی کِتٰابٍ مُبِينٍ».
و در قنوت آن، این دعا خوانده می‌شود:
«اللّٰهُمَّ انّی أَسْأَلُکَ بِمَفٰاتِحِ الْغَيْبِ الَّتی لاٰ يَعْلَمُهٰا الاّٰ انْتَ انْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدْ وَ انْ تَقْضِيَ حَوٰائِجی فِی الدُّنْيٰا وَ الْآخِرَة اللّٰهُمَّ انْتَ وَلِيُّ نِعْمَتی وَ الْقٰادِرُ عَلىٰ طَلِبَتی تَعْلَمُ حٰاجَتی فَأَسْأَلُکَ بِحَقِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلاٰمْ لَمّٰا قَضَيْتَهٰا لی».
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 134

روزه

اشاره

یکی دیگر از کارهای واجب و برنامه‌های سالانهٔ اسلام برای خودسازی انسانها «روزه» است، و روزه آن است که انسان از «اذان صبح» تا «مغرب» برای اطاعت فرمان خداوند از برخی کارها که شرح آنها خواهد آمد بپرهیزد.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 135

نیّت روزه

مسألۀ 354- روزه از عبادات است و باید برای انجام فرمان خداوند بجا آورده شود و این همان «نیّتِ» روزه است.
مسألۀ 355- انسان می‌تواند در هر شب ماه رمضان برای روزۀ فردای آن، نیت کند، و بهتر است که شب اوّل ماه هم روزۀ همه ماه را نیت کند.
مسألۀ 356- لازم نیست نیت روزه را به زبان بگوید بلکه، همین قدر که برای انجام دستور خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب، کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام ندهد کافی است.

مبطلات روزه

مسألهٔ 357- روزه‌دار باید از «اذان صبح» تا «مغرب» از برخی کارها بپرهیزد و اگر یکی از آنها را انجام دهد، روزه‌اش باطل می‌شود، به مجموعهٔ این کارها «مبطلات روزه» گفته می‌شود، که از جملهٔ آنهاست:

* خوردن و آشامیدن.
* رساندن غبار غلیظ به حلق.
* فرو بردن تمام سر در آب.
* قی کردن.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 136

بجز آنکه گفته شد، کارهای دیگری نیز روزه را باطل می‌کند که برای آشنایی با آنها می‌توانید به رسالهٔ توضیح المسائل، مسألهٔ 1581 مراجعه کنید.

احکام مبطلات روزه

خوردن و آشامیدن

اشاره

مسألهٔ 358- اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل می‌شود.
مسألهٔ 359- اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود.
مسألهٔ 360- فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی‌کند، هر چند زیاد باشد.
مسألهٔ 361- اگر روزه‌دار به سبب فراموشی (نمی‌داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.
مسألهٔ 362- انسان نمی‌تواند، بخاطر ضعف، روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن اشکال ندارد.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 137

تزریق آمپول

مسألۀ 363- تزریق آمپول و سرم روزه را باطل نمی‌کند.

رساندن غبار غلیظ به حلق

مسألهٔ 364- اگر روزه‌دار غبار غلیظی به حلق برساند، روزه‌اش باطل می‌شود؛ چه غبار خوراکیها باشد مانند آرد، یا غیر خوراکی، مانند خاک.

فرو بردن تمام سر در آب

مسألهٔ 365- اگر روزه‌دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، بنابر احتیاط واجب روزه‌اش باطل می‌شود.

مسألهٔ 366- اگر روزه‌دار بی‌اختیار در آب بیافتد و تمام سر او را آب بگیرد، یا فراموش کند که روزه است و سر در آب فرو برد، روزهٔ او باطل نمی‌شود، ولی همین‌که فهمید باید فوراً سر را از آب بیرون آورد.

قی کردن

مسألهٔ 367- هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند، هر چند به سبب بیماری باشد، روزه‌اش باطل می‌شود.

مسألهٔ 368- اگر روزه‌دار نداند روزه است یا بی‌اختیار قی کند، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 138

قضا و کفارهٔ روزه

روزهٔ قضا

مسألهٔ 369- اگر کسی روزه ماه رمضان را در وقت آن نگیرد، یا آن را باطل کند، باید بعد از ماه رمضان قضای آن را بجا آورد.

کفارهٔ روزه

مسألهٔ 370- کسی که بدون عذر روزهٔ خود را با یکی از مبطلات روزه باطل کند، باید قضای آن را بجا آورده و یکی از این کارها را نیز انجام دهد، و این همان کفارهٔ روزه است:

* آزاد کردن یک بَرده
* دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن باید پی‌درپی باشد
* سیر کردن شصت فقیر، یا دادن یک مدّ طعام «1» به هر یک از آنها.

کسی که کفاره بر او واجب شود، باید یکی از این سه را انجام دهد، و چون امروزه «برده» به معنای فقهی آن یافت نمی‌شود، مورد دوّم و سوّم را انجام دهد، و اگر هیچ یک از

---

(1). مدّ طعام تقریباً ده سیر (750 گرم) گندم یا جو و مانند اینهاست.

اینها برایش مقدور نیست، باید چند مدّ طعام به فقیر بدهد و اگر هیچ‌کدام را نتواند عمل کند هر قدر را که می‌تواند عمل کند و صدقه بدهد، و اگر آن را هم نتواند انجام دهد، باید استغفار کند.

مسألهٔ 371- لازم نیست قضای روزه را فوراً بجا آورد، ولی بنا بر احتیاط واجب باید تا رمضان سال بعد، انجام دهد.

مسألهٔ 372- انسان نباید در بجا آوردن کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست، فوراً آن را انجام دهد و اگر چند سال بر آن بگذرد چیزی بر آن اضافه نمی‌شود.

مسألهٔ 373- اگر به سبب عذری مانند سفر، روزه نگرفته و پس از رمضان عذر او بر طرف شود و تا رمضان سال بعد، عمداً قضای آن را بجا نیاورد، باید علاوه بر قضا، برای هر روز، یک مد طعام به فقیر بدهد و همچنین اگر با عذر، قضای روزه را بجا نیاورد، بنابر احتیاط واجب، علاوه بر قضاء روزه باید یک مدّ طعام هم به فقیر بدهد.

مسألهٔ 374- اگر به سبب بیماری نتواند روزه بگیرد و آن بیماری تا رمضان سال بعد طول بکشد قضای آن ساقط می‌شود، ولی باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 140

مسألهٔ 375- مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر، دو رکعت بخواند، نمی‌تواند در آن سفر روزه بگیرد، ولی باید قضای آن را بجا آورد، و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند؛ مثل کسی که شغل او سفر است، باید در سفر روزه بگیرد.

مسألهٔ 376- اگر روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت کند، باید روزه خود را تمام کند و صحیح است.

مسألهٔ 377- اگر روزه‌دار پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به «حدّ ترخّص» برسد؛ یعنی به جایی برسد که صدای اذان شهر را نشنود و اهل آنجا او را نبینند، باید روزهٔ خود را باطل کند و اگر پیش از آن روزه را باطل کند، به علاوهٔ قضا، بنا بر احتیاط واجب، کفّاره هم دارد.

مسألهٔ 378- مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد، مکروه است.

مسألهٔ 379- اگر مسافر، پیش از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، چنانچه تا آن وقت، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده، باید آن روز را روزه بگیرد و اگر انجام داده، نباید آن روز را روزه بگیرد.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 141

مسألهٔ 380- اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش، یا به جایی که می‌خواهد ده روز بماند برسد، نباید آن روز را روزه بگیرد.

زکات فطره

اشاره

مسألۀ 381- پس از پایان یافتن ماه مبارک رمضان؛ یعنی در روز عید فطر، باید مقداری از مال خود را به عنوان زکات فطره به فقیر بدهد.

مقدار زکات فطره

مسألۀ 382- برای خودش و کسانی که نان خور او هستند؛ مانند همسر و فرزند، هر نفر یک صاع، که تقریباً سه کیلوست.

جنس زکات فطره

مسألهٔ 383- جنس زکات فطره، گندم، جو، خرما، کشمش، برنج، ذرت و مانند اینهاست، و نیز اگر پول یکی از اینها داده شود، کافی است.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 142

خمس

اشاره

یکی از وظایف اقتصادی مسلمانان، پرداختن «خمس» است، که در برخی از چیزها، باید 15 آنها را برای مصارف مشخصی به حاکم اسلامی بپردازند.

مسألهٔ 384- در هفت چیز، خمس واجب است:

* آنچه از منفعت کسب زیاد بیاید.
* معدن.
* گنج.
* غنایم جنگی.

* جواهری که با فرو رفتن در دریا به دست آید.
* مال حلال مخلوط به حرام.
* زمینی که کافر ذِمّی «1» از مسلمانی بخرد.

مسألهٔ 385- پرداخت خمس نیز مانند نماز و روزه از واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که یکی از موارد هفتگانه را داشته باشند، باید به آن عمل کنند.

یکی از آن موارد که اکثر افراد جامعه را در بر می‌گیرد، «خمس چیزی است که از خرج سال انسان و خانواده‌اش زیاد بیاید».

اسلام به کسب و کار افراد احترام گذاشته و تأمین نیاز خودشان را بر پرداخت خمس مقدم داشته است، بنابراین هر کس در طول سال می‌تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال، اگر چیزی اضافه نیامد، پرداخت خمس واجب نیست، ولی پس از آنکه بطور متعارف و در حدّ نیاز خود زندگی را گذراند- نه در مصرف، زیاده‌روی کرد و نه بر خود تنگ گرفت- اگر در پایان هم چیز اضافه آمد، 15 آنچه را که اضافه آمده است باید برای مصارف مشخصی بپردازد و 45 آن را برای خود پس‌انداز کند.

---

(1). مسیحیان و یهودیان و زرتشتیانی که با حاکم اسلامی پیمان بسته‌اند تا مالیات معینی را بپردازند و شرایط خاصی را که در کتابهای مفصل فقهی آمده، پذیرفته‌اند و در عوض جان و مال آنها در امان است، کافر ذمّی هستند.

مسألهٔ 386- تا خمس مال را ندهد، نمی‌تواند در آن تصرف کند، یعنی غذایی که در آن خمس باشد نمی‌تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده نمی‌تواند چیزی بخرد.
مسألهٔ 387- آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده؛ مانند برنج، روغن و چای، اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.
مسألهٔ 388- اگر کودک غیر بالغ سرمایه‌ای داشته باشد و از آن سودی به دست آید، و تا زمان بلوغ باقی بماند، باید پس از بلوغ، خمس آن را بدهد.

مصرف خمس

مسألهٔ 389- خمس مال را باید دو قسمت کرد، نصف آن که سهم امام زمان علیه السلام است باید به مجتهد جامع الشرائط یا نمایندهٔ او پرداخت شود و نصف دیگر به سید فقیر، یا سید یتیم و یا سیدی که در سفر درمانده شده باشد، بدهند.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 145

زكات

اشاره

یکی دیگر از وظایف مهم اقتصادی مسلمانان، پرداخت زکات است.
از اهمیت زکات همین بس که در قرآن مجید، پس از «نماز» آمده و نشانهٔ ایمان و عامل رستگاری شمرده شده است.
در روایات متعددی که از معصومین علیهم السلام نقل شده، آمده است: «کسی که از پرداخت زکات خودداری کند، از دین خارج است».
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 146
زکات هم مانند خمس موارد معینی دارد؛ یک قسم از آن مالیات بدن و حیات است که هر سال یک مرتبه در روز عید فطر پرداخت می‌شود و تنها بر کسانی که قدرت پرداخت آن را، از نظر مالی دارند واجب است. مسائل این نوع از زکات، در پایان بحث روزه گذشت.
قسم دیگر، زکات اموال است، ولی چنین نیست که تمام اموال مردم مشمول این قانون باشد، تنها نُه چیز است که زکات دارد:
مسألهٔ 390- اموالی که پرداخت زکات آنها واجب می‌شود عبارت‌اند از:
گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره.
مسألهٔ 391- زکات در صورتی واجب می‌شود که مورد زکات به حدّ نصاب برسد که نصاب هر یک و مقدار زکات آنها در جدول صفحه بعد آمده است:
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 147
ردیف نوع مال نصاب مقدار زکات
1 گندم 110: در صورتی که با باران و آب 2 جو رودخانه آبیاری شده باشد.
3 خرما 207 /847 کیلوگرم 120: در صورتی که با آب دستی و دلو
4 کشمش و موتورپمپ آبیاری شده باشد.
340: در صورتی که با هر دو آبیاری شده است.
5 شتر اولین نصاب: 5 شتر یک گوسفند
تا 25 شتر هر 5 شتر یک گوسفند
26 شتر یک شتر
6 گاو 30 گاو یک گوسالهٔ یک ساله
7 گوسفند 40 گوسفند یک گوسفند
8 طلا 15 مثقال 140
9 نقره 105 مثقال 140
یادآوری: شتر، گاو و گوسفند، نصابهای دیگری نیز دارد که برای آشنایی با آنها می‌توانید به رسالهٔ توضیح المسائل، مسائل 1932- 1918، مراجعه کنید.

مسألۀ 392- اگر حیوان در تمام سال از علف بیابان بچرد، زکات آن واجب است. پس اگر در تمام سال یا مدتی از آن، از علف چیده شده یا کاشته شده بخورد، زکات ندارد.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 148

مسألۀ 393- زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سکّه‌ای باشد که معاملۀ با آن رواج دارد، بنابراین آنچه امروزه بانوان به عنوان زیور استفاده می‌کنند، زکات ندارد.

مسألۀ 394- پرداخت زکات از عبادات است و باید آنچه می‌پردازد به نیّت زکات و با قصد قربت باشد.

مصرف زکات

مسألهٔ 395- مصرف زکات هشت مورد است که می‌توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد و برخی از آن موارد بدین قرار است:

فقیر و مسکین.

غیر مسلمانی که اگر به آنها زکات داده شود، به دین اسلام مایل می‌شوند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند.

در راه خدا؛ یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم مسلمانان می‌رسد و آنچه برای اسلام نفع داشته باشد؛ مانند ساختن جاده، پل و مسجد. «1»

---

(1). برای آشنایی با سایر موارد زکات، می‌توانید به رسالهٔ توضیح المسائل، مسألهٔ شماره 1933 مراجعه نمایید.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 149

احکام خریدوفروش

اشاره

مسألۀ 396- یاد گرفتن احکام معامله، به مقداری که مورد احتیاج می‌باشد، واجب است.
مسألۀ 397- فروختن و اجاره دادن خانه یا وسیله‌ای دیگر برای استفادۀ حرام، حرام است.
مسألۀ 398- خریدوفروش، نگهداری، نوشتن، خواندن روزنامه‌ها، مجلّات و کتابهای گمراه‌کننده، و درس دادن این گونه کتاب‌ها، حرام است، مگر در صورتی که، فروشنده بداند خریدارِ صاحب صلاحیت، آن را برای هدفی صحیح، مثل
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 150
پاسخ به اشکالات خواهان است.
مسألۀ 399- فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است، در صورتی که آن شیء معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، حرام است؛ مثلًا شیر را با آب مخلوط کند و بفروشد.
(این عمل را غشّ در معامله می‌گویند).
مسألۀ 400- در معامله باید خصوصیات جنسی که خریدوفروش می‌کنند معلوم باشد، ولی گفتن خصوصیاتی که گفتن و نگفتن آنها تأثیری در میل و رغبت مردم نسبت به آن کالا ندارد، لازم نیست.
مسألۀ 401- خریدوفروش دو کالای همجنس- که با وزن یا پیمانه می‌فروشند- به زیادتر «رِبا» و حرام است؛ مثلًا
یک تُن گندم بدهد و یک تن و 200 کیلوگرم بگیرد.
مسألۀ 402- مستحب است فروشنده در قیمت بین مشتریها فرق نگذارد و در قیمت جنس سختگیری نکند و درخواست بهم زدن معامله را بپذیرد.
مسألۀ 403- قسم خوردن در معامله اگر راست باشد مکروه، و اگر دروغ باشد حرام است.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 151

مسألۀ 404- در برخی موارد فروشنده یا خریدار می‌تواند معامله را بهم بزنند که از جملهٔ آنهاست:
* خریدار یا فروشنده گول خورده باشد.
* در هنگام معامله قرارداد کرده‌اند که تا مدت معینی، هر دو یکی از آنها بتوانند معامله را بهم بزنند؛ مثلًا هنگام خریدوفروش بگویند، هر کس پشیمان شد تا سه روز دیگر می‌تواند پس بدهد.
* خریدار و فروشنده از محل معامله متفرق نشده باشند، مثلًا از صاحب مغازه کالایی را خریداری کرده، قبل از آنکه آن محل را ترک کند می‌تواند آن را پس دهد.
* کالایی که خریده است معیوب بوده و بعد از معامله بفهمد.
* فروشنده برای کالای خود که خریدار آن را ندیده، خصوصیاتی را بیان کرده و بعداً معلوم شود آنگونه نبوده است؛ مثلًا بگوید این دفتر 200 برگ است، بعداً معلوم شود کمتر است.
مسألۀ 405- اگر بعد از معامله عیب مال را بفهمد و فوراً آن را بهم نزند، دیگر حق بهم زدن معامله را ندارد.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 152

قَرض

اشاره

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در قرآن و روایات، راجع به آن سفارش فراوان شده است و قرض دهنده در روز قیامت پاداش بسیاری خواهد داشت.

اقسام قرض

1- مدت دار: یعنی هنگام قرض دادن مشخص شده است که قرض‌گیرنده چه مواقع بدهی را بپردازد.
2- بدون مدت: قرضی که زمان پرداخت، در آن مشخص نشده است.

احکام قرض

مسألۀ 406- اگر قرض مدت دار باشد، بنابر احتیاط واجب، طلبکار نمی‌تواند پیش از تمام شدن آن مدت، طلب خود را درخواست کند.
مسألۀ 407- اگر قرض مدت دار نباشد، طلبکار هر وقت بخواهد، می‌تواند طلب خود را درخواست کند.
مسألۀ 408- اگر طلبکار، طلب خود را درخواست کند؛ چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 153
مسألۀ 409- اگر قرض دهنده شرط کند که پس از مدتی، مثلًا یک سال دیگر، زیادتر بگیرد، و یا کاری برای او انجام دهد، ربا و حرام است، مثلًا یکصد هزار تومان بدهد و شرط کند که پس از یک سال یکصد و بیست هزار تومان بگیرد.
مسألۀ 410- اگر قرض دهنده شرط نکرده باشد که زیادتر بگیرد ولی خود بدهکار زیادتر از آنچه قرض کرده پس بدهد، اشکال ندارد، بلکه مستحب است.

امانتداری

اشاره

اگر انسان مال خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند، باید به احکام امانتداری عمل کند.

احکام امانتداری

مسألۀ 411- کسی که نمی‌تواند از امانت نگهداری کند، جایز نیست چیزی را به امانت قبول کند.
مسألۀ 412- کسی که چیزی را امانت می‌گذارد، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی که امانت را قبول می‌کند، هر وقت بخواهد، می‌تواند آن را به صاحبش برگرداند.
مسألۀ 413- کسی که امانت را قبول می‌کند، اگر برای آن، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیه کند؛ مثلاً اگر
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 154
امانت، پول است و در خانه نمی‌تواند نگهداری کند، به بانک بسپارد.
مسألۀ 414-/ امانتدار باید طوری از امانت نگهداری کند، که مردم نگویند در امانت خیانت و یا در نگهداری آن کوتاهی کرده است.
مسألۀ 415- اگر امانت مردم از بین برود:
الف: اگر امانتدار در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد؛ باید عوض آن را به صاحبش بدهد.
ب: اگر در نگهداری آن کوتاهی نکرده و بطور اتفاقی آن مال از بین رفته؛ مثلاً سیل برده، امانتدار ضامن نمی‌باشد و لازم نیست عوض آن را بدهد.
مسألۀ 416- امانتدار نمی‌تواند از امانت استفاده کند، مگر با اجازۀ صاحب آن.

عاریه

عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد که از آن استفاده کند و در عوض، چیزی هم از او نگیرد؛ مثل آن که دوچرخهٔ خود را به کسی بدهد تا به منزل برود و برگردد.

مسألهٔ 417- کسی که چیزی عاریه داده، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که عاریه کرده، هر وقت

بخواهد می‌تواند آن را پس بدهد.

مسألهٔ 418- اگر مالی را که عاریه کرده از بین برود یا معیوب شود: اگر در نگهداری از آن کوتاهی، و یا در استفادهٔ از آن زیاده روی نکرده، ضامن نیست. ولی اگر در نگهداری آن کوتاهی کرده و یا در استفاده از آن زیاده‌روی کرده باشد، باید خسارت آن را بپردازد.

مسألهٔ 419- اگر قبلًا شرط کرده باشند که هرگونه خسارت بر آن مال وارد شود عاریه‌کننده ضامن است، باید آن خسارت را بپردازد.

مسألۀ 420- اگر شخصی چیزی پیدا کند ولی بر ندارد، وظیفه خاصی بر عهده‌اش نمی‌آید.
مسألۀ 421- اگر چیزی پیدا کند و بر دارد، احکام خاصی دارد به این شرح:
اگر قیمت آن کمتر از 6/ 12 نخود نقرۀ سکه‌دار «1» است و صاحب آن معلوم نباشد می‌تواند برای خودش بردارد، ولی هر وقت صاحبش پیدا شد، بنابر احتیاط واجب باید عوض آن

---

(1). قیمت 6/ 12 نخود نقره سکه‌دار، هم اکنون در بازار در حدود 1000 ریال است (بهار 1377 هجری شمسی).

را به او بدهد.
اگر قیمت آن کمتر از 6/ 12 نخود نقرۀ سکه‌دار نیست و نشانه‌ای دارد که می‌تواند با آن صاحبش را پیدا کند، اگر تا یک سال طوری اعلام کند که مردم بگویند «اعلام کرده»، کافیست و چنانچه تا یک سال اعلام کرد و صاحبش پیدا نشد، می‌تواند به قصد آنکه: «هرگاه صاحبش پیدا شد به او بدهد» برای خودش بردارد، ولی احتیاط مستحب آن است که از طرف صاحبش به فقیر غیر سیّد صدقه بدهد.
مسألۀ 422- اگر می‌داند، اعلام کردن فایده ندارد و یا از پیدا شدن صاحبش ناامید است، اعلام لازم نیست، ولی نمی‌تواند آن را برای خودش بردارد.

عوض شدن کفش

مسألۀ 423- اگر کفش انسان را ببرند و کفش دیگری به جای آن مانده باشد، چنانچه می‌داند کفشی که مانده، مال کسی است که کفش او را برده، و بداند که عمداً برده است، و دسترسی به او ندارد، می‌تواند آن را به جای کفش خودش بردارد، ولی اگر قیمت آن کفش بیشتر از قیمت کفش خودش باشد، و از پیدا شدن صاحبش ناامید شود، بنابر احتیاط واجب باید، با اجازۀ حاکم شرع، از طرف او به فقیر غیر سیّد

صدقه بدهد.

مسألۀ 424- اگر کسی که کفش او را برده، عمداً نبرده باشد یا احتمال می‌دهد، کفشی که مانده، مال کسی نیست که کفش او را برده، و دسترسی به او نیست، باید صاحبش را جستجو کند و چنانچه از پیدا کردن وی ناامید شود، بنابر احتیاط واجب با اجازۀ حاکم شرع از طرف صاحبش به فقیر غیر سیّد صدقه بدهد.

غَصب

غصب آن است که انسان، به ناحق و از روی ظلم و ستم، بر اموال دیگران یا حقوق آنان مسلط شود.
غصب از گناهان بزرگ است و انجام دهندهٔ آن در قیامت، به عذابی سخت، گرفتار می‌شود.
مسألهٔ 425- اگر انسان چیزی را غصب کند، علاوه بر آنکه کار حرامی کرده، باید آن را به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهد.
مسألهٔ 426- اگر چیزی را که غصب کرده، خراب کند، باید تفاوت قیمت آن را هم بدهد.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 158
مسألهٔ 427- اگر چیزی را که غصب کرده، تغییری در آن داده که از اولش بهتر شده باشد، مثل اینکه دوچرخه را تعمیر کرده، اگر صاحب مال بگوید، آن را به همین صورت بده، باید به او بدهد، و نمی‌تواند برای زحمتی که کشیده مزد بگیرد، و حق ندارد آن را تغییر دهد که مثل اولش بشود.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 159

خوردن و آشامیدن

اشاره

خداوند بزرگ برای استفادهٔ انسانها، طبیعت زیبا و تمام حیوانات و میوه‌ها و سبزیجات را در اختیار آنها قرار داده است، تا از آنها برای خوردن و آشامیدن و پوشاک و مسکن و سایر نیازهای خود بکار گیرند، ولی برای حفظ جان انسانها و سلامتی جسم و روح آنها و بقای نسلها و احترام به حقوق دیگران، قوانین و مقرراتی قرار داده است که در این قسمت با برخی از آنچه که در رابطه با خوراکیها و آشامیدنیها آشنا می‌شوید:

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 160

مسألهٔ 428- خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد، حرام است.

مسألهٔ 429- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.

مسألهٔ 430- خوردن گِل حرام است.

مسألهٔ 431- خوردن کمی از تربت سید الشهداء علیه السلام برای شفا از بیماری اشکال ندارد.

مسألهٔ 432- بر هر مسلمانی واجب است مسلمان دیگری را که نزدیک است از گرسنگی یا تشنگی بمیرد، نان و آب داده و از مرگ نجات دهد.

آداب غذا خوردن

مسألهٔ 433- این کارها در رابطه با غذا خوردن مستحب است:
1- دستها را قبل از غذا و پس از آن بشوید.
2- در اوّل غذا «بسم اللّه» و در پایان «الحمد للّه» بگوید.
3- با دست راست غذا بخورد.
4- لقمه را کوچک بر دارد.
5- غذا را خوب بجود.
6- میوه را پیش از خوردن با آب بشوید.
7- اگر چند نفر سر سفره نشسته‌اند، هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 161
8- میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد.
مسألهٔ 434- این کارها در رابطه با غذا خوردن مکروه است:
1- در حال سیری غذا خوردن.
2- پرخوری (زیاد غذا خوردن).
3- نگاه کردن به صورت دیگران هنگام غذا خوردن.
4- خوردن غذای داغ.
5- فوت کردن به غذایی که می‌خورد.
6- پاره کردن نان با کارد.
7- گذاشتن نان زیر ظرف غذا.
8- دور انداختن میوه، پیش از آنکه کاملًا آن را بخورد.

آداب آب نوشیدن

مسألهٔ 435- در نوشیدن آب این امور مستحب است:
1- در روز، ایستاده آب بخورد.
2- پیش از آشامیدن آب «بسم اللّٰه» و بعد از آن «الحمد للّٰه» بگوید.
3- به سه نفس آب بیاشامد.
4- پس از آشامیدن آب، حضرت امام حسین علیه السلام و خاندان و یاران او را یاد و قاتلان ایشان را لعن کند.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 162
مسألهٔ 436- در نوشیدن آب این امور مکروه است:
1- زیاد آشامیدن.
2- آشامیدن آب بعد از غذای چرب.
3- با دست چپ آب نوشیدن.
4- در شب، ایستاده آب نوشیدن.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 163

احکام سر بریدن حیوان

اشاره

مسألهٔ 437- اگر چهار رگ بزرگ گردن حیوان حلال گوشت را از پایین برآمدگی زیر گلو با شرایطی که خواهد آمد، بطور کامل ببرند، گوشت آن پاک و حلال خواهد بود.

شرایط سر بریدن حیوان

مسألهٔ 438- سر بریدن حیوان پنج شرط دارد:
* کسی که سر حیوان را می‌برد، مسلمان باشد.
* سر حیوان را با ابزار آهنی ببرند.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 164
* هنگام بریدن، صورت و دست و پا و شکم حیوان رو به قبله باشد.
* هنگام سر بریدن حیوان، نام خدا را ببرد، و اگر تنها «بسم اللّٰه» را بگوید کافی است.
* حیوان پس از سر بریدن حرکتی بکند که معلوم شود زنده بوده است.

شکار با اسلحه

مسألهٔ 439- اگر حیوان حلال گوشت وحشی را با شرایطی که بیان می‌شود، با اسلحه شکار کنند، پاک و حلال خواهد بود:

* اسلحهٔ شکار، مثل کارد و شمشیر برنده باشد، یا مثل نیزه و تیر، تیز باشد که به سبب تیز بودن، بدن حیوان را پاره کند.
* کسی که حیوان را شکار می‌کند، مسلمان باشد.
* اسلحه را برای شکار به کار ببرد. پس اگر جای دیگر را نشانه بگیرد و بطور اتفاقی به حیوان بخورد، حلال نیست.
* هنگام بکار بردن اسلحه (مثلاً هنگام رها کردن تیر) نام خدا را ببرد.
* پس از زدن حیوان، با شتاب به سوی حیوان برود، و

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 165

هنگامی به حیوان برسد، که مرده باشد و یا به مقدار سر بریدن آن وقت نباشد، بنابراین اگر هنوز نمرده، و وقت برای سر بریدن آن باشد ولی سر آن را نبرد، تا بمیرد حرام است.

صید ماهی

مسألۀ 440- اگر ماهی پولک‌دار را زنده از آب بگیرند و بیرون آب بمیرد، پاک و خوردن آن حلال است، ولی اگر در آب بمیرد گرچه بدنش پاک است، ولی خوردن آن حرام می‌باشد.
مسألۀ 441- ماهیهایی که پولک ندارند، اگر چه زنده از آب بگیرند و بیرون آب بمیرند، حرام است.
مسألۀ 442- کسی که ماهی را صید می‌کند، لازم نیست مسلمان باشد، و لازم نیست نام خدا را ببرد.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 166

نگاه کردن

اشاره

یکی از نعمت‌های الهی، قدرت بینایی است، انسان باید از این نعمت بزرگ در راه کمال و ترقّی خود و همنوعانش استفاده کند، و آن را از نگاه به نامحرمان بازدارد، گرچه نگاه به طبیعت و زیبایی‌های آن، اگر تجاوز به حقوق دیگران نباشد، اشکال ندارد، ولی حفظ دیده از نگاه به دیگران و حفظ خود از نگاه نامحرمان، احکام خاصی دارد که در این بخش به برخی از آنها می‌پردازیم:

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 167

مَحرم و نامحرم

مسألهٔ 443- محرم کسی است که در نگاه به او، محدودیتی که نسبت به سایر افراد هست نمی‌باشد و ازدواج با او نیز حرام است.
مسألهٔ 444- این افراد بر پسرها و مردان محرمند:
* مادر و مادر بزرگ.
* دختر و دختر فرزند (نوه).
* خواهر.
* خواهرزاده (دختر خواهر).
* برادرزاده (دختر برادر).
* عمّه (عمهٔ خودش و عمهٔ پدر و مادرش).
* خاله (خالهٔ خودش و خالهٔ پدر و مادرش).
این دسته از افراد به سبب خویشاوندی نَسَبی با هم محرمند و گروهی دیگر هم به سبب ازدواج بر پسرها و مردها محرم می‌شوند، از جمله آنهاست:
* همسر.
* مادر زن و مادر بزرگ او.
* زن پدر (نامادری).
* زن پسر (عروس).
* زن برادر و خواهر زن نامحرمند.
مسألهٔ 445- این افراد بر دخترها و زنان محرمند:
* پدر و پدر بزرگ.
* پسر و پسر فرزند (نوه).
* برادر.
* خواهرزاده (پسر خواهر).
* برادر زاده (پسر برادر).
* عمو (عموی خودش و عموی پدر و مادرش).
* دایی (دایی خودش و دایی پدر و مادرش).
این دسته از افراد به سبب خویشاوندی نَسَبی محرم هستند و گروهی دیگر هم به سبب ازدواج بر دخترها و بانوان محرم می‌شوند، از جمله آنهاست:
* شوهر.
* پدر شوهر و پدربزرگ شوهر.
* شوهر دختر (داماد).
شوهر خواهر و برادر شوهر محرم نیستند.
بجز افرادی که بیان شد، ممکن است کسان دیگری نیز به سبب ازدواج، با

شرایط خاصی بر یکدیگر محرم شوند که در کتابهای مفصل فقهی آمده است.
مسألۀ 446- اگر زنی با شرایطی که در کتابهای فقهی آمده است، بچه‌ای را شیر دهد، آن بچه بر آن زن و افراد دیگر
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 169
محرم می‌شود که جهت آشنایی بیشتر می‌توانید به رسالۀ توضیح المسائل، مسألۀ 2483 مراجعه کنید.

نگاه به دیگران

مسألهٔ 447- بجز زن و شوهر، نگاه کردن هر فرد انسانی به فرد دیگر، اگر برای لذّت بردن باشد حرام است، خواه همجنس باشد، مانند: نگاه مرد به مرد دیگر، و یا غیر همجنس، مانند: نگاه مرد به زن، و خواه از محارم باشد و یا غیر محارم و به هر جای بدن باشد، همین حکم را دارد.

مسألهٔ 448- پسرها و مردان می‌توانند به تمام بدن زنانی که بر آنها محرم هستند، بجز عورت، بدون قصد لذّت بردن نگاه کنند.

مسألهٔ 449- پسرها و مردان نمی‌توانند به بدن و موی زن نامحرم نگاه کنند.

مسألهٔ 450- دخترها و بانوان می‌توانند بدون قصد لذّت بردن، به سر و صورت و گردن مرد نامحرم به مقداری که بطور متعارف نمی‌پوشانند، نگاه کنند.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 170

مسألهٔ 451- کسی که به واسطه نداشتن همسر به حرام می‌افتد؛ مثلًا به نامحرم نگاه می‌کند، واجب است ازدواج کند.
مسألهٔ 452- در ازدواج باید صیغهٔ مخصوص آن خوانده شود و تنها راضی بودن دختر و پسر و علاقه داشتن کافی نیست، بنابراین، خواستگاری تا زمانی که صیغهٔ ازدواج خوانده نشده، سبب محرم شدن نیست و با سایر زنان نامحرم تفاوتی ندارد.
مسألهٔ 453- اگر یک حرفِ عقد ازدواج، غلط خوانده شود، که معنای آن عوض شود، عقد باطل است.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 171

احکام سلام کردن

اشاره

مسألهٔ 454- سلام کردن به دیگران مستحب، ولی جواب آن واجب است.
مسألهٔ 455- سلام کردن به کسی که در حال خواندن نماز می‌باشد، مکروه است.
مسألهٔ 456- اگر کسی به نمازگزار سلام کند، باید همانطور که او سلام کرده جواب دهد؛ مثلًا اگر گفته: «سلام علیکم»، در جواب بگوید: «سلام علیکم» ولی در جواب «علیکم السلام»، بنا بر احتیاط واجب، باید بگوید: «سلام علیکم».
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 172
مسألهٔ 457- کسی که نماز می‌خواند، جایز نیست به دیگران سلام کند.
مسألهٔ 458- سلام را باید فوراً جواب دهد.
مسألهٔ 459- اگر دو نفر، همزمان به یکدیگر سلام کنند، بر هر یک واجب است که جواب سلام دیگری را بدهد.
مسألهٔ 460- سلام کردن به کافر مکروه است، و اگر او به مسلمانی سلام کند، احتیاط واجب آن است که در جواب بگوید: «علیک» و یا فقط بگوید: «سلام».

آداب سلام کردن

مسألهٔ 461- مستحب است: سواره به پیاده، ایستاده به نشسته، گروه اندک به گروه زیاد و کوچک به بزرگ سلام کند.
مسألهٔ 462- مستحب است، در غیر نماز، جواب سلام را بهتر بدهد، پس اگر کسی بگوید: «سلام علیکم»، مستحب است در جوابش بگوید: «سلام علیکم و رحمة اللّٰه».
مسألهٔ 463- سلام کردن مرد به زن، مکروه است، مخصوصاً به زن جوان.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 173

اشاره

مسألهٔ 464- قرآن همیشه باید پاک و تمیز باشد و نجس کردن خط و ورق قرآن، حرام است، و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند.

مسألهٔ 465- اگر جلد قرآن نجس شود و بی‌احترامی به قرآن باشد، باید آن را آب بکشند.

لمس کردن خطوط قرآن

مسألۀ 466- رساندن جایی از بدن به نوشتۀ قرآن، برای
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 174
کسی که وضو ندارد حرام است.
مسألۀ 467- در لمس نوشتۀ قرآنی، فرقی بین آیات و کلمات بلکه حروف و حتی حرکات آن نیست.
مسألۀ 468- در چیزی که قرآن بر آن نوشته شده است، بین کاغذ و زمین و دیوار و پارچه فرقی نیست.
مسألۀ 469- در نوشتۀ قرآنی فرقی نیست که با قلم نوشته شده باشد یا چاپ یا گچ و یا چیز دیگر.
مسألۀ 470- اگر نوشتۀ قرآنی در قرآن هم نباشد، لمس آن حرام است. پس اگر آیه‌ای از قرآن در کتاب دیگری نوشته شده باشد، بلکه اگر کلمه‌ای از آن در کاغذی باشد، یا نصف کلمه‌ای از آن برگ قرآن یا کتاب دیگری بریده شده باشد، بازهم لمس آن بدون وضو حرام است.
مسألۀ 471- موارد زیر، لمس نوشتۀ قرآن به حساب نمی‌آید و حرام نمی‌باشد:
* لمس آن از پشت شیشه، یا پلاستیک.
* لمس ورق قرآن و جلد آن و اطراف نوشته‌ها، گرچه مکروه است.
* لمس ترجمۀ قرآن به هر لغتی باشد، مگر اسم خداوند که به هر لغتی باشد، لمس آن برای کسی که وضو ندارد، حرام است، مانند کلمۀ «خدا».
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 175
مسألۀ 472- کلماتی که مشترک بین قرآن و غیر قرآن است مانند «مؤمن»، «الذین» اگر نویسنده به قصد قرآن نوشته باشد، لمس آن بدون وضو حرام است.
مسألۀ 473- لمس خطوط قرآن بر جُنب، حرام است.
مسألۀ 474- انسان جُنب نباید سوره‌های سجده‌دار قرآن را بخواند، (توضیح آن در مسألۀ 111 گذشت).
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 176

قَسَم خوردن

مسألهٔ 475- اگر کسی به یکی از اسامی خداوند عالم مانند «خدا» و «اللّه» قسم بخورد که کاری را انجام دهد، یا ترک کند، مثلًا سوگند بخورد که دو رکعت نماز بخواند، واجب است به آن عمل کند.

مسألهٔ 476- اگر عمداً به سوگندی که خورده است عمل نکند، باید کفّاره بدهد و کفّاره آن یکی از این سه چیز است: * آزاد کردن یک برده.

* سیر کردن ده فقیر.

* پوشاندن ده فقیر.

و اگر هیچ کدام از اینها را نتواند انجام دهد، باید سه روز روزه بگیرد.

مسألهٔ 477- کسی که قسم می‌خورد، اگر حرف او راست باشد، قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان بزرگ است.

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 177

مسألۀ 478- اگر انسان به صورت کسی سیلی یا چیز دیگری بزند، بطوری که صورت او سرخ شود، باید 5/ 1 مثقال شرعی طلای سکه‌دار، بدهد و اگر کبود شود، سه مثقال، و اگر سیاه شود شش مثقال، و هر مثقال شرعی، 18 نخود، است.

مسألۀ 479- اگر جای دیگر بدن کسی- غیر از صورت- را به واسطۀ زدن، سرخ یا کبود یا سیاه کند، باید نصف آنچه در مسألۀ قبل گفته شد، بدهد.

مسألۀ 480- کشتن حیوانی که اذیّت می‌رساند و مال کسی

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 178

نیست؛ مانند مار و عقرب، اشکال ندارد.

مسألۀ 481- اگر چیزی را به صنعتگری بدهند که درست کند و صاحبش نیاید آن را ببرد، چنانچه صنعتگر جستجو کند و از پیدا کردن صاحب آن ناامید شود، باید بنابر احتیاط با اجازۀ حاکم شرع آن را به نیّت صاحبش به فقیر غیر سید صدقه بدهد. مسألۀ 482- دیواری که مال دو نفر است؛ مانند دیوار مشترک بین دو منزل، هیچ‌کدام آنان حق ندارد بدون اجازۀ شریک دیگر، آن را بسازد، یا سر تیرآهن و مانند آن را بر دیوار بگذارد یا به دیوار میخ بکوبد، ولی کارهایی که معلوم است شریک راضی است؛ مانند تکیه‌دادن به دیوار و لباس انداختن روی آن اشکال ندارد، اما اگر شریک او بگوید: به این کارها راضی نیستم، انجام اینها هم جایز نیست.

مسألۀ 483- اگر ریشۀ درخت همسایه در ملک (زمین، باغ، خانه و ...) انسان بیاید، صاحب ملک می‌تواند از صاحب درخت بخواهد که ریشۀ درخت را برگرداند، یا قطع کند و در صورتی که صاحب درخت این کار را نکرد، خودش می‌تواند از آن جلوگیری کند و چنانچه ضرری هم از ریشۀ درخت به او برسد، می‌تواند از صاحب درخت بگیرد.

مسألۀ 484- درخت میوه‌ای که شاخۀ آن از دیوار باغ

احکام نوجوانان (صافی)، ص: 179

بیرون آمده، اگر انسان نداند صاحبش راضی است یا نه، نمی‌تواند از میوۀ آن بچیند، و اگر میوۀ آن روی زمین هم ریخته باشد نمی‌تواند آن را بردارد، مگر آن باغ در کنار راه باشد، که عابرین- با شرایطی که در کتابهای مفصل فقهی آمده است-/ می‌توانند از آن استفاده کنند.

مسألۀ 485- جایزه‌ای را که بانک به بعضی از کسانی که در صندوق پس‌انداز پول می‌گذارند می‌دهد، در صورتی که شرط نکرده باشند که چیزی بدهد و بانک برای تشویق مردم از خودش بدهد و ضرر آن به کسی نرسد، حلال است.

مسألهٔ 486- تراشیدن ریش حرام است و ماشین کردن آن نیز، اگر مثل تراشیدن باشد، حرام است و در این حکم، تمام مردم یکسانند و حکم خدا به سبب مسخرهٔ مردم تغییر نمی‌کند، پس از کسی هم که تازه بالغ شده، یا اگر ریش نتراشد مردم او را مسخره می‌کنند، چنانچه ریش بتراشد، یا طوری ماشین کند که مثل تراشیدن باشد، حرام است.
مسألهٔ 487- استمنا کردن حرام است، یعنی انسان با خود، کاری کند که منی از او بیرون آید.
مسألهٔ 488- آوازی که مخصوص مجالس لهو و بازیگری است، غنا و حرام می‌باشد، و اگر نوحه یا روضه یا قرآن را هم با غنا بخوانند حرام است، ولی اگر آن را با صدای خوب
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 180
بخوانند که غنا نباشد، اشکال ندارد.
مسألهٔ 489- بازی با شطرنج و پاسور، چه همراه با برد و باخت باشد، و چه نباشد، حرام است.
مسألهٔ 490- دست زدن و کف زدن در مجالس جشن و سخنرانی اگر برای تشویق امر مشروع (جایز) باشد و همراه با حرام دیگری نباشد و به صورت لهو نیز نباشد، اشکال ندارد؛ و سزاوار آن است که تشویق، همراه با تکبیر و صلوات باشد.
مسألهٔ 491- رقصیدن زن در مجالس زنانه یا مرد در مجالس مردانه حرام است، ولی رقص زن برای شوهرش، اشکال ندارد.
مسألهٔ 492- سینه زدن در کوچه و خیابان، با توجّه به عبور زنان، در صورتی که سینه‌زن، پیراهن پوشیده باشد، اشکال ندارد.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 183

احوط مطابق با احتیاط
استطاعت توانایی انجام فریضهٔ حج از نظر بدن، مال و راه.
تجافی نیم‌خیز نشستن، نیم‌خیز نشستن مأمومی که به رکعت اول نماز جماعت نرسیده، در حال تشهد خواندن امام.
تخلّی خالی کردن، به بیت الخلاء رفتن، بول و غایط کردن.
تمکن توانایی مالی
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 184
حرج مشقّت، سختی
خون جهنده‌دار حیوانی که وقتی رگ آن را ببرند، خون از آن با فشار بیرون می‌آید. ذبح شرعی کشتن حیوانات با رعایت ضوابط شرعی (سگ و خوک و بعضی از حیوانات دیگر قابل ذبح شرعی نیستند).
ذمّی کافران اهل کتاب- مانند یهود و نصاری- که در بلاد مسلمین زندگی می‌کنند و در مقابل تعهدشان نسبت به رعایت قوانین اجتماعی اسلام از امنیت و حمایت حکومت اسلامی برخوردارند.
سال خمسی یک سال تمام که با نخستین رسیدگی انسان به حساب اموال خود برای تخمیس آن شروع می‌شود و باید هر سال همان تاریخ را مبدأ رسیدگی مجدد قرار دهد.
شاخص چوب یا چیز دیگری که برای تعیین وقت ظهر در زمین نصب می‌کنند.
ضامن عهده‌دار، بر عهده گیرنده
ضرورت ناچاری، اضطرار، حتمیت
طهارت پاکی، حالتی معنوی که در نتیجه وضو، غسل یا تیمم در انسان حاصل می‌شود.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 185
عاجز ناتوان، درمانده
عادت ماهیانه حیض، قاعدگی
عمداً از روی قصد، کاری را که با علم و آگاهی انجام دهد.
عَورَت آنچه انسان از ظاهر کردنش حیا می‌کند. (کنایه از عضو جنسی زن و مرد).
عهد پیمان. تعهد انسان در برابر خداوند با صیغه مخصوص برای انجام کار پسندیده یا ترک ناپسند.
غُسل شستشو. شستشوی بدن با کیفیت مخصوص.
غِش خیانت، مخلوط کردن پنهانی جنس کم بها با گرانبها به منظور فریب

مردم.
فجر سپیدهٔ صبح
فرادا نمازی که انسان بطور انفرادی و نه به جماعت گزارد.
فقیر محتاج. کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و چیزی هم ندارد که بطور روزانه بتواند هزینهٔ زندگیش را تأمین کند.
محتلم کسی که در حال خواب از او منی خارج شود.
مَحْرَم بستگان نزدیک انسان که ازدواج با آنها حرمت ابدی دارد.
احکام نوجوانان (صافی)، ص: 186
مخرج بول و غائط محل طبیعی خروج ادرار و مدفوع.
نافله نماز مستحبی
نوافل یومیه نمازهای مستحبی روزانه که هر شبانه روز 34 رکعت و در جمعه 38 رکعت است.
ودیعه امانت

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)

ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران (0311)2333045

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».